



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۲ دوشنبه ۶ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

«کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.
کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
ولادیمیر ایلیچ لینن

خرده بورژوازی
حاکم
تمام قدرت را
می خواهد!

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

پیرایه های انحرافی از قامت اند-
یشه پرولتاریا دارد. گام نهادن با-
زمان پیکار در میدان نبرد ایدئو-
لوژیک با ما از این لحاظ جنبه-
امیدبخش و مثبت داشته، و ما نیز
با استقبال آن میشتابیم.

نقش مبارزه ایدئولوژیک در
شرایط کنونی از اهمیت و برجستگی
خاصی برخوردار است، و آن هموار
کردن راه پرستگلاخ وحدت جنبش
کمونیستی می باشد. بقوت می توان
گفت که در حال حاضر مهمترین ابزار
لازم برای کوفتن این جاده سنگلاخ
پریش و فراز همان مبارزه ایدئو-
لوژیک می باشد. اما، حل مسئله
وحدت جنبش کمونیستی ایران را
نیاید مشروط به افق نامحدود پر-
دامنه مبارزه ایدئولوژیک بطور
کلی نمود، زیرا که دایره مبارزه
ایدئولوژیک حدی ندارد، و بهما-
گونه که شنا سایی بشرنا محدود است،
این نیز نا محدود می باشد. بویژه،
از آنجا که امروز وحدت جنبش کمونیستی
و تشکیل حزب کمونیست بیکبار ه
صورت نمی گیرد، و با از آنجا که
از میان شکل های موجود جنبش
کمونیستی، برخی شان نزدیک سی و

بقیه در صفحه ۲۰

عرصه های مهم مبارزه گسترده و همه-
جانبه پرولتاریا با بورژوازی و سا-
ی طبقات غیر پرولتاریاست که نقش
مؤثری در کناره زدن و خنثی نمودن
اندیشه های بورژوایی و نیز زدودن

سازمان پیکار در شماره ۶۲
برای اولین بار بیکان مبارزه
ایدئولوژیک خود را متوجه سا-
نموده و دست به نقد نظرات مازده
است. مبارزه ایدئولوژیک یکی از

نامه گروهی از اعضای سابق س.م.خ.ا. به روزنامه اطلاعات

گروهی از اعضاء سابق سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضا
سابق بخش منشعب از این سازمان طی نامه ای خطاب به هیات تحریر-
یه و مسئولین روزنامه اطلاعات از تحریفات و دروغ پردازی های
روزنامه ارتجاعی دولتی اطلاعات پرده برداشته و به اتهامات دروغین
آن پاسخ داده اند. این نامه در اختیار تمام روزنامه های صبح و عصر
و نشریات پیکار، رزمندگان، انقلاب، کار و... قرار گرفته است که
ما قسمتها بی از آن را عینا نقل میکنیم:

بقیه در صفحه ۳۰

اصلاحات
ارضی و
جمهوری
اسلامی

(۴)

در قسمت قبل به سیاست جمهوری اسلامی در قبایل مسئله ارضی و
جنبشهای دهقانی در پائیز ۵۸ پرداختیم. این سیاست را در متن رشد
جنبشهای دهقانی که بخصوص در پائیز شدت گرفته بود بررسی نمودیم و
به اداه و روند این سیاست و جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ اشار ه
کردیم. اکنون در قسمت چهارم به نتیجه رشد مبارزات توده های
دهقان در زمستان ۵۸ و تحولات سیاست هیات حاکمه تا پایان این
فصل و تهیه طرح اصلاحات ارضی میپردازیم.

بقیه در صفحه ۸۰

در پیک رزمندگان میخوانید

- زحمتکشان انتقام خون فرامرز حمید را از جلادان خواهند گرفت.
- کارگران دلاور بولیوی: مقاومت مسلحانه در مقابل کودتاگران!
- برای افشای اعدا ضد انقلابی دومبار ز در آبادان راهپیمایی شد!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- • • • •

تعرض جدید خرده بورژوازی حا-
کم در قبضه نمودن قدرت سیاسی
بنوبه، خود سیر تحولات مبارزه
طبقاتی در سطح جامعه را تسریع
نموده است. شدت یابی تفادهای
درون هیات حاکمه که در اساس
از رشد مبارزه طبقاتی کارگران و
سایر توده های زحمتکش و در واقع
از ناتوانی حکومت در بنظم کشیدن
جامعه نشات میگیرد به مرحله
جدیدی رسیده است. عدم تجانس
طبقاتی در بلوک سیاسی حاکم
از بدو پیدایش آن باعث آن میگشت
که این تضادها به صورت اختلافات
معمول در حکومتهای ارتجاعی
بطور کلی، بلکه شکل یک کشمکش
همه جانبی در تمام عرصه های حکومت
بروز نماید.

سخنان آیت الله خمینی در
اوایل هفته قبل غیر منتظره
نبود. آنچه از مدتها قبل از سوی
جناح خرده بورژوازی حکومت
در قالب "انقلاب فرهنگی"، "انقلا
ب اداری" و حملات مشخص به بورژوا-
زی لیبرال و بخصوص اشغال
دفا ترجمیه ملی و حزب ایران
پس از نماز جمعه هفته قبل صورت
گرفته بود در واقع انجام همان
رهنمودهایی بود که بعد از زربان
خمینی جاری گشت.

"ما اشتباه کردیم کسه
غربی ها و ملی ها را در قدرت
شریک کردیم و" از این پس دیگر
چنین نخواهیم کرد" این بود ظاهر
آنچه "بنیانگذار جمهوری اسلامی"
بوضوح متذکر شد. این سخنان
بقیه در صفحه ۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

تغرض جدید خرده بوروازی حا-
کم تنها دام عناصر شناخته شده
بوروازی لبرال را فرا نگرفته
است، بنا بر سیاسی که است در نواز
خودتوسم کرده بود معاصر
ریان بوروازی دیگری که اکنون
بیش از شش ماه است که میکوشد خود را
با شرایط حضور خرده بوروازی در قس
رت وفق دهد و روز بروز شدیدتر میشود.
بیشی ضرر و معافل اطراف او اگر چه
هنوز مورد تهاجم مستقیم قسرا ر
نگرفته اند اما هر روز خود را ضعیف
تر و عاجز تر می بیند، طرح های
آنها در مورد سازماندهی ارتش
بهم ریخته شده و ابتکارات اقتصا-
دی و سیاسی آنها یکی بعد از دیگری
بختی میگردد. آیت الله منتظری
در اختیار علیه سیاستهای بانگسی
بی مدر و محوری این سیاست یعنی
بوروازی و فسادات کرده و انجمن اسلامی
با یک مرکز، خواهان برگشتاری
و با یک بورژوازی، بدو است. آیت الله
منتظری در پیرو مشاجرات حزب جمهور
ی اسلامی و بعد پیش از آن کمیته
و اطراف ایشان اود در مورد نقش و شخصیت
نخست وزیر بر مراحات برآمد یعنی ضرر
خط بطلان کشید. کاملاً اشتباه
خواهد بود اگر تعرض جدید خرده بوروا-
وازی حاکم را صرفاً بر علیه بوروازی
بدانسم، در واقع تلاش این خرد
بوروازی در قبضه کردن قدرت سیاس

بقیه از صفحه ۳۰

نامه گروهی از ...

۱۶۱۸۴ - ۱۹

هیات تحریریه و مسئولین روزنامه اطلاعات

در شماره ۱۶۱۸۴ روزنامه اطلاعات مورخ سه شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۵۹ تحت عنوان "نامه وکیل تقی شهرام به رئیس جمهور" مطالبی پیرامون موقعیت و عملکرد رفیق تقی شهرام و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران و بخش منشعب از آن آمده بود که جز تحریف حقایق و تکذیب واقعیات نمیتوان بر آن نام نهاد. ما نویسندگان این مطبوعه، عده ای از همکاران سابق سازمان مجاهدین خلق ایران هستیم که پس از تغییر و تحولات سالهای ۵۴ - ۵۳ در بخش منشعب از آن سازمان و به همراه رفیق شهرام فعالیت انقلابی خود را علیه رژیم وابسته شاه خائن و امپریالیسم جهانی، ادامه داده ایم.

ما بعنوان کسانی که بیش از همه بر رویدادهای درون سازمان مجاهدین خلق، و پروسه تحولات و مبارزات آن در سالهای خفان قبل از انقلاب بهمن ۵۷ تا گاهی دارند و بعنوان کسانی که خود از نزدیک بر شرایط حاکم بر مبارزه انقلابیون دهه اخیر صمیمان آشنایی داشته و با تمام پوست و گوشت آن اثر - اثر را لمس و درک نموده اند، و بعنوان انقلابیون از جان گذشته ای که از مشکلات راه، از حبس و زجر و شکنجه، از خانه بدوشی و آوارگی انقلابی، از گشته شدن و قربانی دادن نهرا سیده و سخت ترین و مصیبت ترین شرایط خفان آوارگی را تحمل نموده، و در زمانیکه بسیاری از مدعیان کنونی یعنی میوه چنان مبارزات انقلابی و قیام مردم زحمتکش، بنحوی از انحاء یا سازش و تسلیم پیشه کرده و یا با دشمنان خلق همکاری و معاضدت داشته، برای برافراشته ماندن پرچم مبارزات خلق خود صمیمانه و با تمام توان خود کوشیده اند، لازم دانستیم، مراتب تحریف آمیز و سراسر دروغ مندرج در شماره فوق الذکور روزنامه اطلاعات را توضیح داده و از شما بخواهیم طبق قانون مطبوعات توضیحات ما را در روزنامه برای زدودن آثار سوء و زیانبار آن اکاذیب درج نمائید.

اطلاعات مینویسد: "..... تقی شهرام پس از دستور قتل مجید شریف و قفی و توطئه برای قتل مرتضی صمدیه لبا ف که منجر به دستگیری و اعدام وی گشت و بعد از انحلال عملی سازمان مجاهدین خلق از ایران خارج شده و در بیسن جنوبی گهگاه اعلامیه هایی تحت نام مجاهدین خلق صادر می نمود و تنها بعد از پیروزی انقلاب سر و کله اش پیدا شده....."

در این متن چهار دروغ و تحریف بزرگ مستقیم قابل شمارش است، گفتیم مستقیم، زیرا وقتی این دروغ ها در کناره های عمومی تبلیغاتی که توسط رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران، گروه های مغرض و باندهای توطئه گر ضد انقلابی و مرتجع، ایجاد شده است قرار گیرد آنگاه میتوان دروغ های بزرگتر و افسانه های عجیب و غریبی را در آن سطور مشاهده کرد که هدفش تسویه حسابهای ایدئولوژیک - سیاسی با تفریق خواهان انقلابیون و کمونیست ها، ایجاد اغتشاش فکری و تشویش برای مساعدن و زمینه القاء هر خرافه و وهمی در افکار عمومی مردم میباشد.

● ۱- انتساب دستور قتل مجید شریف و قفی و توطئه برای قتل صمدیه لبا ف به رفیق شهرام، منتشرع و مجزی از کلیه رویدادهای سیاسی - ایدئولوژیک مناسبات و تشبیهات تشکیلاتی درون سازمان مجاهدین، مستقل از کل فعالیت انقلابی این سازمان، مستقل از مناسبات نظامی و جنگی حاکم بر تشکیلات در سالهای قبل از قیام ۵۷، و همینطور مستقل از روند ناگزیر سیاسی - تشکیلاتی کلیه فعالیت ها، عملیات و تصمیمات این سازمان، رهبری، کادرها و اعضا آن، تحریف بزرگ و اقمیتی است که نویسنده متن اطلاعات قلم بدان می آید. اطلاعات برای حقیقت که کلیه فعالیت تقی شهرام بعنوان عضو مرکزیت یک سازمان انقلابی - سازمانی که سراسر تاریخ حیاتش با مبارزه انقلابی و با شکنجه، خون زندان و شلاق و مقام و مبارزه قهرمانانه در مقابل امپریالیسم و نوکران داخلی اش عجین است، در دوران یک مبارزه حاد انقلابی و تحت خونی ترین شرایط با بدمورد آرزایی قرار گیرد، بهره، تحریف و اغماض کشیده است. و بدین ترتیب جریان اختلافات و درگیری های درون سازمان، در سالهای ۵۴ - ۵۳ که منجر به شهادت تاسف بار رودریغ انگیز مجید شریف و قفی گردید، را بعنوان دستوری فردی، منتشرع از روند تصمیم گیری در یک سازمان انقلابی، منتشرع از پروسه طولانی ای که به یک تصمیم می انجامد و با لایحه جدا از مناسبات متقابل و ارگانیک یک یا چند فرد با کل سازمان، عنوان می نماید.

انتزاع یک جز، از کل خودش و قضاوت در مورد کل بر مبنای آرزویی از آن جز، به هیچ وجه نمیتواند ذره ای از حقیقت را در بر داشته باشد و در واقع سار و پوشتاننده حقیقت است. یعنی آرزویی از سازمان مجاهدین و بخش منشعب از آن و فرد رفیق شهرام در سالهای سیاه رژیم شاه از روی این با آن حادثه اشتباه یا انحرافی و منفک از کل حرکت انقلابی آنان، مسلمانا ری از کم ترین حقیقت و مشروعبیتی است. چنین قضاوتی درست به این میماند که ما، ماه و خورشید را از روی لکه های تاریک سطح آن یا لکه ابرهائی که گهگاه از رسیدن مستقیم نور آنها جلوگیری میکنند آرزویی کنیم. و با این نتیجه برسیم که خورشید و ماه تنها منابع و اجسام نورانی نیستند بلکه چیزی جز ظلمت و تاریکی در آنها نمیتوان یافت.

● ۲- دومین دروغ بزرگ منتشرع از جانب اطلاعات حاکی از انحلال عملی سازمان مجاهدین خلق است که به رفیق تقی شهرام انتساب داده است. دروغ اندر دروغ، انحلال عملی سازمان آنهم توسط رفیق شهرام، آیا از آقاییان خبر پردازان پرسید این انحلال چه موقع بوده است؟ در کدام سال این انحلال صورت گرفته است؟ آیا مردم ما باید دروغ های رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران را بسا و رکنند؟

بقیه در صفحه ۴۰

بقیه از صفحه ۲۰

سرمقاله

بیکاری و فشار روز افزونی که در مردم اردیگر از ترافیک گرفته تا عدم امنیت سیاسی و اجتماعی در محمل کار و زندگی خود احساس میکنند امید خود را به وعده های جمهوری اسلامی از دست میدهند. خواست به تغییر اساسی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه هر روز در میان عده بیشتری از توده ها شیوع مییابد. خواستی که بطور کلی روبره تکامل و انقلاب دارد اما مستعد سو استفاده ضد انقلاب سرنگون شده ای نظیر جریانات بختیار، اویسی و امثالهم نیز هست.

در شرایطی که یک ضد انقلاب میکوشد تا با اختناق و گسترش شبکه ارتجاعی خود درجا مع مسلط شود و ضد انقلاب دیگری در صدد استفاده از زمینه های مخالفت با آن است، وظیفه ما تشدید ترویج و تبلیغ در میان توده ها و مانهی طبقه کارگر و توده های زحمتکش مستقل از هر دو جریان ضد انقلابی است.

بحران اقتصادی در ایران از دو جنبه، کاملاً متفاوت در روبره تشدید است. از یک سو توده های مردم بر علیه ظاهر مختلف سرمایه داری بنه مبارزه برخاسته و آینه نظام اجتماعی، اقتصادی را به خطر انداخته اند و از سوی دیگر بورژوازی از طریق احتکار و انتقال سرمایه به زمینه های سود و غیر تولیدی و اشتغال آن به خارج بناچار بر بحران اقتصادی می افزاید، محاصره نسبی امپریالیست ها نیز که برای وارد آوردن فشار به توده های مردم و کسب امتیازات از حکومت است

و غامت اوضاع اقتصادی را بیشتر میکند. خرده بورژوازی حاکم نیز با عملکردهای سردرگم، متناقض و هر چه و مرج مآبانه اقتصادی و سیاسی علی رغم میل و اراده خویش بحران اقتصادی را شدیدتر مینماید.

بر چنین جامعه بحران زده و روبه انقلابی است که خرده بورژوازی حاکم میکوشد تا سلطه خود را اعمال کند. آنها چاره ای جز این ندارند که تمام "تقسیم" ها را متوجه "ملی و غریبی ها"

بقیه از صفحه ۳

سرمقاله

بنما پندتا شاید توده ها را با ردیگر
بگرد برنا مه ها و تبلیغات غسود
جمع آوری و با بهترین گوشتیم از پرا-
کندگی توده ها از اطراف خود جلوگیری
کنند، اما منطق تاریخ چون پتک بر
فرق سرتان کوبیده خواهد شد.

مشخات تعرض جدید خرد بورژ-
وازی اولاً: سرکوب کلیه جریانات
سیاسی مخالف با آنهاست اعم از
نیروهای انقلابی و ضد انقلابی و ثا-
نیا: تسلط شکل های ارتجاعی نظیر
انجمن های اسلامی بر ادارات
و موسسات و ارتش است.
و ثالثاً: انحمارا رگانه های
دولتی در دست دستجات ضد انقلابی
سیاسی نظیر حزب جمهوری اسلامی و
مؤلفین است.

خرده بورژوازی حاکم نیز
با عملکردهای سردرگم، متنا-
قض و هرج و مرج مآبانه
اقتصادی و سیاسی علی رغم
میل و اراده خویش بحران
اقتصادی را شدیدتر مینماید.

طبیعی است که این تعرض از یک
سوا تا دوا انجام ضد انقلابی بورژ-
وازی را در خارج از حکومت تشدید
نموده و پایگاه های اصلی امپریا-
لیسم را فعال تر و جدورتر خواهد
شد و لذا توطئه های آشکار و نهان
مستقیم امپریالیسم رانیز بیشتر
میکند و از سوی دیگر موج تاراجی
اعتراض و تمایل توده ها به دگرگونی
های اساسی در جامعه را نیز بر سرعت
رشد خواهد داد. اینست اوضاع بغیر
نچی که طبقه کارگر و توده های
زحمتکش با آن روبرو هستند و انقلاب
بیون و بویژه کمونیستها میبایست
توده ها را جهت مقابله با آن آماده
کنند.

در شرایطی که یک ضد انقلاب میکو
شد با اختناق و گسترش شبکه
ارتجاعی خود در جامعه مسلط شود و
ضد انقلاب دیگری در دستور استفاده
از زمینه های مخالفت با آن است.
وظیفه ما تشدید ترویج و تبلیغ
در میان توده ها از ندمی طبقه کار-
گر و توده های زحمتکش مستقل از هر
دو جریانات ضد انقلابی است. وظیفه
ای که تنها با کوشش وحدت آمیز تمام
کمونیستها و تلاش متعده آنها تمام
انقلابیون موفق خواهند گشت.

با واقعیت وجودی هسته ها و تیم ها و اعضا و سمپا تیزانهای سازمان متبوع ما در تهران و شهرستانها که
بطور متشکل فعالیت مینمودند، چگونه روزنامه اطلاعات بر عملیات انقلابی سازمان مدارسهای ۵۶-۵۵
۵۴ یعنی بعد از اعلام تحولات و رویدادهای ایدئولوژیک درون سازمان، چگونه بر فعالیت تبلیغی این
سازمان، چگونه بر عملیات اعدام انقلابی مستشاران نظامی و جاسوسان آمریکایی، مدارسهای بین
۵۵-۵۴ که آخرین آن اعدام انقلابی سه تن از جاسوسان (روبرت کروون گارد، ویلیام کاترل، دونالد
اسمیت) بود پرده اغماض میکشد. چگونه عملیات مسلحانه، حمایتگران، زجنش مردم، شمیران نیو
(۱) انفجار در شهرداری و پلیس شمیران نو) و پخش اعلامیه های مربوطه چگونه درگیری، دستگیری و شهادت
دهها تن از رفقای ما در همین سالها مورد تجاهل واقع میگردد. تنها سال ۵۵، دهها تن از رفقای رزمنده
ما، رفقای که هم سنگروهم رزم رفیق شهرام نیز بودند یا دستگیر شدند و یا در درگیری به شهادت رسیدند.
در آبان ۵۵ رفیق دلیر ما بهرام آرام، در درگیری مسلحانه خویش در آستان انقلاب ایران ریخته شد و رژیم
شاه خائن با خوشحالی خبر شهادت وی را بدرستی به عنوان رهبری سازمان ما در صفحات روزنامه های
مزدور و تروزی درج نموده درک واقعیات فوق نیازی نه به هوش و فراست زیاد نه احتیاجی به مطالعه
و تحقیق دارد، این واقعیتی است که تمام مطبوعات دنیا بر صحت آن اذعان دارد، کافی است شما
هم نگاهی به آرشیوروزنامه اطلاعات ببینید. اسناد مربوط به فعالیت انقلابی سازمان ما
را در سالهای ۵۰ ملاحظه نمائید، البته اگر اسناد همچنان روزنامه نگاران و خبرنگاران متعصب
اطلاعات که تحت همین پوشش "طاغوتی" و به همراه تنی چند از آنها، مورد "تصفیه" و "پاکسازی" واقع
نشده باشند!

آری نویسنده و نویسندگان متن مورد بحث (سازمان مجاهدین خلق و بخش منشعب از آن هرگز
منحل نگردید، و هرگز فعالیت انقلابی را تا قیام بهمن ۵۴ چه در میدان مبارزه چریکی با مزدوران رژیم
چه در پهنه فعالیت سیاسی آگاهانه و چه در سنگرزندان ترک نکرد، بلکه حتی مضمون و محتوای آن را از-
تقاء داد، اسناد و مدارک منتشره در آن سالها از جانب سازمان و اسناد و مدارک موجود در آرشیو
ساواک و آرشیو مطبوعات همگی گواه باین است که چه قبل از سال ۵۴ و چه بعد از آن، سازمان مجاهدین
خلق ایران و سپس بخش منشعب از آن یک لحظه نیز فعالیت متشکل انقلابی را رها نکرد و یک لحظه نیز مانند
بسیاری از انقلابیون میکروفونی کنونی سنگرمبارزه را خالی نگذاشت.

۳- سومین دروغ و تحریف آشکار "خارج شدن" محمد تقی شهرام پس از "انحلال" از ایران و رفتن
به یمن جنوبی و صدور اعلامیه ای گسگاه، تحت نام مجاهدین خلق توسط وی میباش. در افشای این
دروغ و تحریف بنکات زیر توجه خواننده را جلب میکنیم.

الف- رفیق تقی شهرام بنا بر تصمیمات سازمانی در اوایل خرداد ۵۶ یعنی پس از ۹ سال مبارزه
انقلابی و پس از ۴ سال زندان و زندگیمخفی انقلابی برای پاسخ گویی به برخی نیازهایی که توسط
رهبری و کارهای سازمان تشخیص داده شده بوده خارج رفت، این تصمیم از جانب رهبری و کارهای
این دید و چشم انداز صورت گرفته بود که فعالیت سازمانی و تداوم کار انقلاب آن حفظ گردد، یعنی درست
بر خلاف موضع عافیتجویانه و تسلیم طلبانه ای که با حرکت از آن، انقلابیون میکروفونی "کنونی
رحل اقامت در کناره های یمن و این افکندند و در آنجا نخرانهای سربلک کشیده آمریکا مآمن و مأوا
گزیدند.

ب- رفتن رفیق شهرام به یمن جنوبی دروغ دیگری است که روزنامه مزبور آن را اثا عه
میدهد. این درست است که دامنه فعالیت انقلابی رفقای ما تا جنوب یمن، تا میدانهای جنگ انقلابی
ظفار و فلسطین، دامنه داشت. این درست است که رادیوی جبهه خلق برای آزادی عمان ما عا تی را در ماه
برای فعالیت رفقای ما در یمن اختتام میداد، اما این جز کوچککی از فعالیت مبارزاتی سازمان ما بوده، این دروغ
بزرگی است که رفیق شهرام آنهم پس از اصطلاح "انحلال" ادعایی روزنامه به یمن رفته باشد و از آنجا اعلامیه های
سازمانی را تحریر و توزیع نموده باشد. همه رفقای ما چه اعضا و چه سمپا تیزانها میدانند که تمام اعلامیه ها
و نوشتارهای سازمان، در ایران متمرکز بوده که در تهیه و تحریر آن رفیق شهرام نقش اساسی و عمده را داشت،
در همین ایران، در درون سلسولهای تشکیلاتی تهیه شده بود، اعلامیه ها و نوشته هایی که بدرستی فعالیت
انقلابی متشکل دهها و صدها عضو سمپا تیزان، هوادار سازمانی نشو و نه آن بود، این دروغ بزرگی است
که میخواهد فعالیت انقلابی سازمان ما و رفقای ما را نفی نموده و مبارزه افتخار آمیزی را که بخون مدها
شهید و زخمی رنگین شده است را در قالب اعلامیه هایی که یک فرد آنهم در یمن مینوشت و نام سازمان را
پای آن مینهاد محمور و خفه نماید.

۴- روزنامه اطلاعات سپس با لحن توهین آمیزی، دروغ کشید دیگری را به افکار عمومی مردم
ارائه میدهد. روزنامه مینویسد: "تقی شهرام تنها پس از پیروزی انقلاب سرکله اش پیدا شده."
نویسندگان عبارت فوق در واقع از انقلاب و انقلابی همان زندگی میوه چنان انقلاب، "انقلابیون"
متعکف در اروپا و آمریکا را که پس از گرفتن تضمین های لازم با برپلکان هواپیما گذارده و بهر موج مبارزه
و احساس انقلابی مردم، نزول اجلا ل فرمودند و امروز در مصاف میکروفونی غی سبقت از هم میریابند را می
فهمد.

آری، جناب نویسنده! اطلاعات! این اربابان و کارفرمایان جنابعالی هستند که پس از اقامت
۴۰-۱۵ ساله در فرنگ و پس از انقلاب سرکله شان پیدا شد، در حالیکه رفیق ما محمد تقی شهرام از سال
۴۵-۴۴ در میان همین مردم و در شرائط خفقان و سرکوب محمدرضا شاهی که آن جنابان، نفیس از ترس در

بقیه در صفحه ۷

میتهان مشاهده کرد، زیرا که رزمندگان هم در آن مقاله و هم در اغلب مقالات خوب نویسنده جا می گیرند. سرمایه داری وابسته ایران علیرغم تبعات تبعیت و وابستگی آن به امپریالیسم، عملکرد دور و نزدیک مستقل و دینا میک خود را هم دارا است. بهیچا را برادرمیکگرد که رزمندگان سرمایه داری ایران را خودپوه و مستقل میدانند، رزمندگان سرمایه داری ایران را وابسته نمیدانند و «فلا بنا بر مقتضیات» آنرا سرمایه داری وابسته میگویند. چرا؟ زیرا که رزمندگان سرکش سرمایه داری وابسته ایران را یک سیستم بحساب می آورند، اقتصاد آنرا نیز یک سیستم - البته نیستیم - اقتصادی - تلقی میکند. و بر این اساس مفهوم «کل مناسبات تولید» یا «ساخت اقتصادی» را یکبار میبرد. و بدین خاطر برای این سیستم علیرغم وابستگی و تبعات تبعیت به امپریالیسم، رونمود و عملکرد مستقل و دینا میک خاص نیز قائل است. سیستم سرمایه داری وابسته ایران جزئی ارگانیک از سیستم جهانی سرمایه داری است. ب می آوزد و اقتصاد آنرا «کل مناسبات تولید» یا «ساخت اقتصادی» را یکبار میبرد. و بدین خاطر برای این سیستم

نقل و دینا میک خا ص
نیک از سیستم جهانی
معنوان عامل مسلط
دینا میک خا ص بزخوردار
از این لحاظ تابع و وابسته
امپریالیسم بعنوان عامل
سلط بر سیستم جهانی میباشد
ما با این وجود از استقلال نسبی
دینا میک خا ص بزخوردار است
نظرات تاریخی نیز، مسئله پیدایش
بر مایه دار ی وابسته و غلبه و تحکیم
آن در ایران از این زاویه باید
مورد بررسی قرار گیرد.
سر مایه داری وابسته بر مبنای
پایان برهوت ایران شکل نگرفت
بدین ترتیب که امپریالیسم در س
۴۲ یا ۴۳ بدنبال نیاز هـ
مقتضیات سرمایه های مالی امپری
بالجستی تصمیم بگیرد سرمایه
داری وابسته را در ایران مستقر
سازد، سابقه تاریخی شکل گیری
سرمایه داری وابسته ایران به
وران پیش از مشروطه بر میگردد
یعنی به دوره اولین مناسبات
اقتصادی وسیع ایران و اروپا
در قرن نوزدهم که محصول بوجود
آمدن سیستم جهانی سرمایه داری
و حرکت کشورهای سرمایه دار ی
اروپا درسطح منطقه ژئواقیایی
سیستم جهانی سرمایه داری از یک

نگاهی به...

سو، و از سوی دیگر نتیجه آمیزش سرمایه‌های تجاری ایران با بازار کاپیتالیستی اروپا و پیدایش بورژواکمبرا دورهای ایرانی بود.

گسترش مراودات تجاری ایران با اروپا موجب رخنه تدریجی شاخ و برگ‌های سیستم جهانی سرمایه‌داری بدرون اقتصاد ایران گردید. ورود کالاهای اروپایی به ایران را به بازار جهانی کاپیتالیستی وصل مینمود، و هم‌اینکه بسیاری از موسسات صنعتی را با گذشت زمان وادار به تعطیل فعالیت میکرد، و میدان را برای ورود هر چه بیشتر کالاهای خارجی باز میگذاشت. چنگ انداختن سرمایه‌های خارجی بر روی نقاط حساس اقتصاد دی کشور مانند نفت، گمرکات و به خصوص ایجاد بانک و توسعه قرضه‌های ایران از خارج هر چه بیشتر سرمایه‌داری جهانی و قانون ارزش سیستم جهانی سرمایه‌داری را بر اقتصاد ایران مستولی گرداند، و قلمرو محدود و بسته سرمایه‌داری و بازار داخلی ایران را بفتح سرمایه‌داری جهانی و بازار جهانی بازگشود.

کارگزار سرمایه‌داری که همان بورژوازی ملی ایران بود در جریان انقلاب مشروطه و در اولین تلاشهای جدی برای مسلط نمودن خود در مقابل فتوایلیسم و امپریالیسم با سیزمین خورد و پس از چندی رضاخان قلدر ضربات مهلکی برپیکران وارد ساخت، و برای سالها کوچکترین مجرای تنفس سیاسی را از وی سلب نمود، و لسی رضاخان برخلاف ضربات سختی که بر بورژوازی ملی وارد نمود، و سبب به رشد و توسعه اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری همت گمارد و دایره‌های بازار داخلی را بزیمن دیوارهای بسته و محدود فتوایلیسم گسترش داد. ایجاد راه‌های مختلف شوسه و نیز راه آهن در کنار تاسیس کارخانجات مختلف تا شیرفرآینی در بطن مناسبات کالایی و توسعه روابط سرمایه‌داری داشت. پیروان تضاد عمده خلق و

امپریالیسم حتما از این گفته‌ها برآشفته خواهند شد، و با صدای بلند به اعتراض خواهند گفت که مگر میشود که حکومتی وابسته به امپریالیسم به رشد و گسترش نیروهای تولیدی و اقتصاد سرمایه‌داری در یک کشور نیمه‌فتوایلیست زنده؟ و بعضی از خوانندگان ممکن است بگویند که این چه سؤال احمقانه‌ایست! مگر میشود با داشتن مورد حکومت محمدرضا شاه و فرم ۴۲ در مقابل ادعا نمود که حکومت وابسته به امپریالیسم به توسعه نیروهای مولد و بطن اقتصاد سرمایه‌داری دست نمیزند؟ نه فقط این سؤال چندان غریب نیست این حکم که حکومت وابسته به امپریالیسم مانع از رشد نیروهای

میباشد، نه میل به سرمایه‌گذاری امپریالیستی، اما آنچه باید توجه داشت اینست که این گسترش وسیع سرمایه‌داری در زیر سلطه امپریالیسم، بشکل وابسته به سیستم جهانی صورت میگرفت و این توسعه سرمایه‌داری را نه هر چه بیشتر اقتصاد کشور را تحت سلطه امپریالیسم درمی‌آورد. اما نکته‌ی که در اینجا باید توجه داشت آنست که اینگونه رشد سرمایه‌داری که همزمان رشد وابستگی را هم موجب میگشت تنها با انگیزه و محرک "سرمایه امپریالیستی" صورت نمی‌گرفت و در عین حال توسعه وابستگی در این زمینه‌ها بدان صورت نبوده، که پیکار ریزمندگان نسبت میدهد، یعنی آنکه ابتدا سرمایه‌داری

مستعمره سهمی مهم ایفا نمود. توسعه اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری که هر چه بیشتر اقتصاد ایران را زیر سلطه امپریالیسم برد بود، چنان شیرازه سرمایه‌داری را ست نمود، که در آستانه نابودی قرار گرفته این توسعه سرمایه‌داری را نه همان توسعه سرمایه‌داری وابسته بود، و این توسعه چنانکه دیدیم محصول آنچنان پیروسی نبود که پیکار از او بی‌درک رزمندگان تصویر میکنند. بدین معنا که ابتدا سرمایه‌داری رشد کرده باشد، و نیاز به توسعه بیشتر همین سرمایه‌داری را به سرمایه‌داری وابسته تبدیل نموده باشد، نه این پیروسی مخالف جهت سرمایه‌داری نشود مینمود. و در آن بر بستر تضعیف

پیروسی شکل‌گیری و توسعه سرمایه‌داری وابسته هم ناشی از گسترش سرمایه‌داری وابسته داخلی و هم محصول صدور سرمایه‌های امپریالیستی بود، و کلاً بر پایه خرابه‌های سرمایه‌داری به پیش می‌خیزد. این پیروسی در ادامه خود بر اثر رشد تناقضات اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و به خصوص بواسطه دخالت امپریالیسم و فشار و اصرار آن داور بر انجام فرم ارضی و تضعیف فتوایلیسم و منجر به غلبه سرمایه‌داری وابسته به مثابه یک سیستم اجتماعی بر ایران گشت.

سرمایه‌داری صورت میگرفت، و به مقیاس زیادی محصول توسعه سرمایه‌داری وابسته داخلی اعم از دولتی و خصوصی و صدور سرمایه امپریالیستی از سوی دیگر بود. بنا بر این پیروسی شکل‌گیری و توسعه سرمایه‌داری وابسته هم ناشی از گسترش سرمایه‌داری وابسته داخلی و هم محصول صدور سرمایه‌های امپریالیستی بود، و کلاً بر پایه خرابه‌های سرمایه‌داری به پیش می‌خیزد. این پیروسی در ادامه خود بر اثر رشد تناقضات اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و به خصوص بواسطه دخالت امپریالیسم و فشار و اصرار آن داور بر انجام فرم ارضی و تضعیف فتوایلیسم و منجر به غلبه سرمایه‌داری وابسته به مثابه یک سیستم اجتماعی بر ایران گشت.

" ادامه دارد "

در آینده نزدیک ما این ادعاها و احکام کلی را بر زیر تحلیل مشخص خواهیم آراست.

مستقل رشد و توسعه یافته باشد، و در مرحله‌ی از تکامل خود به وابستگی رسیده باشد، بلکه رشد سرمایه‌داری همزمان بود با رشد وابستگی، و اصلاً بصورت وابسته رشد نمیکرد. بدین ترتیب دوره رضا شاه، دوره‌ی از بطن سرمایه‌داری وابسته و گسترش سرمایه‌داری وابسته بزیمن سرمایه‌داری ملی بوده است و حتی در امتداد نفت نیز در جهت توسعه وابستگی سرمایه‌داری وابسته عمل می‌کرد. بعد از دوره رضا شاه گرچه یک دوره رشد سرمایه‌داری وابسته شدن بندهای اقتصاد متمرکز دوره رضا شاه بوجود آمد، اما از سال ۳۳ به بعد هم در اثر سیاست درهای باز و هم بدنبال سرمایه‌گذاری‌هایی که کمک اعتبارات دولتی و صدور سرمایه امپریالیستی صورت گرفته اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری ایران سربلند توسعه یافت و شکافهای شدید در دیوار پیوسته فتوایلیسم ایران بوجود آورد و در نتیجه تناقضات جامعه نیمه‌فتوایلیسم

مولد و توسعه اقتصاد سرمایه‌داری است، با قطعیت اصول هندسی تقلیدی تا دوسه سال پیش مطرح میشد، و حتی هم اکنون نیز از جانب پاره‌ی از نیروهای سیاسی طرح میشود. این گمان با اعتبار این که امپریالیسم مانع از رشد سرمایه‌داری ملی و مستقل بوده، و آنرا در هم میکشند، و قلمرویش را بتصرف خویش درمی‌آورد، چنین حکم می‌کردند که امپریالیسم مانع از رشد سرمایه‌داری بطور کلی است. حال آنکه اولاً امپریالیسم به رشد و توسعه سرمایه‌داری وابسته به خود در نقاطی که برایش سودآور بود، همراهی میکرد، تا دنیا محشر و نیروی دینا میکشند. سرمایه‌داری در کشورهای تحت سلطه فقط امپریالیسم نبود، بلکه نیروهای داخل کشورهای تحت سلطه و کلاً بازار داخلی آن کشورها نیز میل به رشد و گسترش داشتند، و موجب اصلی این گسترش در این مورد اقتصاد داخل کشور

پیش‌بسیاری ایجاد حزب طبقه کارگر!

بورژوازی لیبرال بکلی مخالف طرح رضا اصفهانی بود و تمام حربه‌های خود را به مخالفت برمیخواست. بخصوص در "جمهوری اسلامی" ارائه استدلال در قالب شرعیت مورد استفاده بورژوازی قرار می‌گرفت. بورژوازی ایده گسترش مالکیت دولتی را حد تعرض به مالکیت خصوصی خود را خلاف "مقدس بودن مالکیت" و اصول اقتصاد دو اخلاق سرمایه‌داری میدانست و نمیتوانست منافع خود را با آن تطبیق دهد. نمایندگان آن از روحانی و غیرروحانی بفریب دادند و از حقوق مالکیت دفاع برخاستند. از بازگان و ایزدی و معین فرگفته تا آیت الله‌هایی چون قمی و روحانی و شریعت‌مداری از انواع طرق نظیر کنفرانس و فتوا به مقابله مشغول شدند. بخصوص روحانیت بورژوا به حدیث و توضیح المسائل متوسل شده و "امام" را به خطرات تعرض به مالکیت خصوصی بورژوازی آگاه می‌نمود. مراجع مشهد "رنج سفر" را متحمل شدند. اگر انقلاب آنها را از خانه بیرون نکشیده بود، قدیمیت مالکیت بورژوازی آنها را فرستگاه از حربه‌های خود دور نمود.

نوسان و گجی در خرده بورژوازی حاکم بخوبی دیده می‌شد. آنها نمیتوانستند ضرورت‌های ناشی از رشد "خطرناک" جنبش‌های دهقانی را با موضوع "مقدس بودن مالکیت" و مثلاً "مالکیتی که ز راه حمت شخصی و مشروعیت آمدن باشد" از طریق "مضار به و مزایا" حاصل شده با شد تطبیق دهند. خرده بورژوازی حاکم اگر چه بستم مالکیت دولتی را تا حد مالکیت خرده بورژوازی مرفه بلامانع میدید و این مالکیت دولتی را میتوانست بعنوان مالکیت خدایا دولت اسلامی توجیه کند اما با همین کار خود با آتش بازی کرده بود که میتوانست دامن خودش را نیز بگیرد. خرده بورژوازی حاکم مجبور بود از همان مسئله تقدیم مالکیت و احترام به مشروعیت مالکیت در یک حد معین دفاع کند و محکم هم دفاع کند و بر علیه "مشرکین و کفار و فساد انقلابی" یا همان توده دهقان و انقلابیون شمیر بکشد. اما این حد که است که هم بتوان از عهده فقه شرع بورژوازی برآمد و هم از عهده خرده بورژوازی انقلابی و کارگران؟ خرده بورژوازی میدید که با بورژوازی وجه اشتراک فراوانی دارد و بخصوص فقه و مذاهب آنها را بهم پیوند میدهد. رضا اصفهانی از او اخروی ماه طرحی را تهیه و به شورای انقلاب داده بود تا بتواند جامع جمیع تناقضات فوق باشد. اگر چه خطوط کلی طرح او روشن است اما به هیچ وجه هنوز به تصویب و اجرا نرسیده و در ست بر سر مسائل فوق کشمکش آشکار و پنهانی در جریان بود. در این میان جنبشهای دهقانی از سرگشتگی هیات حاکمه، از انفعال آن و از تشتت درون ارگانهای حکومت بهره جسته به کار انقلابی خود مشغول بودند. آنچه بعد از روزنامه‌های رسمی به آن معترف شدند گویای واقعیتی است که در صحنه روستاها در جریان بود.

غروی استاندار آذربایجان غربی گفت: "قبل از اینکه آقای اصفهانی معاون وزارت کشاورزی بشوند و طرح خود را ارائه دهند ما در منطقه راضی و وسیع و قابل توجهی را از نفوذ آنها گرفتیم و تقسیم کردیم که هم اکنون در اختیار زارعین میباشند و یک فصل کشت را نیز بهشت سرگذاشته اند." (اطلاعات ۱۹ - ۱۲ - ۵۸)

اول البته نمیگوید که این کاری بوده است که خود دهقانان انجام داده و کاملاً برخلاف قانون هم بوده است. او با استناد ارکرمسان که گفت:

"طرح رضا اصفهانی هنوز در سطح استان کرمان پیاده نشده اما قبلاً یکسری زمینها را استانداری (ز) میمان مردم تقسیم کرده است. مثلاً در "ماهان" زمینهای موا-

بیت‌شان کشاورزان تقسیم شده است. و البته در اینجا هم استانداری چهار اکره دهقانان انجام داده اند و صرف کاری که سنا به قانون "واگذاری اراضی موات" انجام شده جا میزند و یکجا بعنوان فتوحات خود عرضه میکند. هم چنانکه در قسمت قبل متذکر شدیم جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ ادامه مییافت. و این در حالی بود که شورای انقلاب و محافل مختلف درون و بیرون جمهوری اسلامی به کاشش بر سرچگونگی اصلاحات اجتناب نا پذیر مشغول بودند. طول این مدت کشمکش جنبشها وضعیت سردرگمی ارگانهای جمهوری اسلامی را بدتر مینمود و در مقابل جنبشهای دهقانی به انفعال و تناقض میافتا. اما همه این مصیبتها هنوز برای هیات حاکمه ای که بر رسی "مسئله وحشتناک" خدشه به مقدس بودن مالکیت "مشغول بود قابل تحمل بود. جنگ دوم در گنبد زنگ کفایت مذاکرات را بصد در آورد.

در ۲۹ بهمن ۵۸ گنبد به خون کشیده شد. زمینه جنگ رشد جنبش دهقانان و قدرت شوراها دهقانی از یکسو و تلاش ارگانهای جمهوری اسلامی در سرکوب این جنبش از سوی دیگر بود. پاسداران از تجمع توده‌های ترکمن صحرای که بدعت سازمانهای چریکهای فدایی خلق روانه گنبد میشدند جلوگیری کرده و بر روی تجمعی که بهر حال در گنبد تشکیل شده بود آتش گشودند. اما همه کس میدانست که زمینه اصلی مبارزه توده دهقانان ترکمن که در شوراها متشکل شده بودند با نظم حاکم بروستاها است. چهارتن از رهبران کانون فرهنگی خلق ترکمن توسط پاسداران وابسته به حزب جمهوری اسلامی ربوده شده و بطرز مر موزی به قتل رسیدند. هوار اقامات ضد انقلاب حاکم میرفت تا در تمام جامعه تا شیر بگذارد. هیات حاکمه با دروغ و انگار و افترا گوشت تالک تنگ را بیوشاندا و در عین حال مجبور به اتخاذ تصمیم در باره طرح اصلاحاتی گشت که مدت‌ها بر سر آن به ماتم عزانشتی بود. حتی قبل از طی آخرین مراحل قانونی تصویب طرح اصلاحات ارضی حکومت عجولانه به دست و پا برای کاهش وضعیت متشنج ترکمن صحرای افتاد.

بار دیگر جنبش دهقانی از گوشه‌ای از ایران به اتصال درآمد و سینه دهقانان آماج گلوله‌های پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. از نظر هیات حاکمه فاجعه گنبد تنها یک معنا داشت: تشریح در صورتی بپ طرح اصلاحات. پس از شش ماه که از اولین نغمه‌های اصلاحات ارضی میگذشت شورای انقلاب لب از سخن گشود:

"تصویب لایحه زمین در شورای انقلاب اعلام شد"

(کبهان - ۱۱ اسفند ۵۸)

شورای انقلاب بد رستی این لایحه را تصحیح شد "لایحه" و اگذاری و احیای اراضی "مبوب ۵۸/۶/۲۵ همان طرح بورژوازی لیبرال مغزی نمود. اما واقعیت اینست که هنوز کشمکش بر سر جزئیات ادامه داشت و جزئیات طرح تا ۲۶ فروردین ۵۹ به تدوین در نیامد. و حتی ادامه نزاع درونی مانع آن گشت که تا اوایل اردیبهشت ۵۹ به اجرا درآید. از اسفند ۵۷ تا اسفند ۵۸ بمدت یکسال جنبشهای دهقانی از کرستان تا ترکمن صحرای عرصه‌ای بوسه ایران را در هم نوردیدند. صد ها حرکت دهقانی در اشکال مختلف از شکایت گرفته تا مبارزه مسلحانه صورت گرفت تا عاقبت هیات حاکمه جمهوری اسلامی بر آن شد تا عقب نشینی های اجباری و شکستهای آشکار خود را در قالب یک طرح متوهم نماید. طرحی که از یکسوم محمول عقب نشینی جمهوری اسلامی در مقابل جنبشهای دهقانی و از سوی دیگر محمول کشمکشها و سازشها و وجوه مشترک درونی هیات حاکمه بود.

"ادامه دارد"

گروهی از اعضا سابق س. م. خ. سابق بخش منشعب از این سازمان

روشت برای روزنامه‌های صبح و عصر و خانواده رفیق تقی شهرام و هفته‌نامه‌های کار، پیکار، رزمندگان انقلاب، حقیقت، نبرد، پیکار خلق ارسال می‌گردد.

بقیه از صفحه ۴
سینه جیب می‌نمودند به همراه همزمانش بمبارزه علیه رژیم شاه مشغول بود و در این راه هیچ هراس و ترسی هم بخود نداد. علاوه بر این رفیق شهرام، مشخصاً و افراداً در قیام نیز شرکت می‌نمود و در دست در فتح یادگاران در فروریختن برج و باروی ارتجاع شاهنشاهی نیز شرکت نمود و بسیار بودند کسانی که رفیق را تنگ بدوش در روزهای سرخ سومین دهه بهمن دیده بودند.

اکنون با توضیح اکاذیب فوق مافضات راجع به تقی شهرام، قضایات راجع به سبیل شلیک شدن و فضای مسموم و مغرورانه حاکم بر مطبوعات جمهوری اسلامی علیه انقلابیون، قضایات نسبت به روزنامه‌ها اطلاعات را بهمه خوانندگان و افکار عمومی ایران می‌گذاریم ● ۵۹/۴/۲۲

اصلاحات اراضی و جمهوری اسلامی (۴)

رشد جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ با لایحه لزوم اصلاحات محدودی را در مورد مسئله اراضی و دهقانی بر هیات حاکمه تحمیل نمود. اصلاحات ارضی بعنوان یکی از مسائل مهم مورد بحث جریانات مختلف سیاسی قرار گرفت. هم چنانکه موج مبارزه با مالکین در روستاها قوت مییافت محافل مختلف وابسته به هیات حاکمه در تکانهای راه حلی جهت آرام نمودن روستاها افتادند. شکست کنفرانس کشاورزی مهرماه که بکار وزارت کشاورزی و برسدمداری ایزدی تشکیل شده بود با پاسا گذاردن شخمیتهای جدید و وعده های جدید به عنوان یک مسئله درونی هیات حاکمه و انموده میگشت. رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی که خود نیز در چار توپی نسبت به توانایی و خواست هیات حاکمه بود میکوشید تا همین وزارت را به کانون توجه دهقانان تبدیل کند اما ههای آذر و دی و بهمن شاهد وعده های مختلف رضا اصفهانی در مورد طرح جدید اصلاحات ارضی بود و میگفت:

"اصلاحات ارضی زمان شاه مخلوع وسیله ای بود برای خراب کردن و وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزی"

"اصلاحات ارضی که در جمهوری اسلامی مورد نظر است این است که تنها تقسیم زمین مطرح نیست بلکه زمین باید با امکانات و امنیت کافی جلوگیری از هرگونه رخنه گری فئودالها و حمایت هر چه بیشتر از تولیدات کشاورزی برادران و خواهران کشاورز ما باشد"

"واگذاری زمین بصورت مشاع و مشترک خواهد بود"

"در جمهوری اسلامی ایران آب بایک ضابطه عادلانه و مبتنی بر قسط اسلامی بین کشاورزان تقسیم خواهد شد" کیهان - ۱۰ دی

در مورد نحوه واگذاری زمین گفته میشد:

"بصورت تعاونی خواهد بود. یعنی چند خانوار روستایی زمینی را مشترکاً کشت کرده و محصول آنرا با هم برداشت میکنند. و آنرا آن تمامانصیب کشاورزان میشود. کیفیت اداره این مزارع اشتراکی را خودزارعین تعیین مینمایند و دولت در آنها دخالتی ندارد" کیهان ۱۸ دی

گفته های رضا اصفهانی بعنوان یکی از مقامات مسئول جمهوری اسلامی خبر از تلاش هیات حاکمه و بویژه خرده بورژوازی حاکم برای دست یافتن به راه حلی جهت پایان دادن به حرکت های انقلابی دهقانان از طریق رفرم میداد. اما جزئیات وعده ها و اظهار نظرهای وی بهیچ وجه مطابق با استعداد جمهوری اسلامی در تحقق آنها نمیبود. واقعیت وضعیت کشاورزی و مالکیت زمینها نشان میداد که هیچ رفرمی

بدون دست زدن هر چند محدود به مالکیت مالکین بزرگ ممکن نیست. حتی خود هیات حاکمه هم میدانست که راه حل بورژوازی لیبرال درواگذاری اراضی موات بعنوان تنها راه حل کاهش تمرکز توده دهقانان بر سهم کم ترازمینها بایر نمی تواند جوابگوی اسناد وسیع جنبش دهقانی باشد. دهقانان مستقیماً به معادله اراضی با نیرو قابل کشت مالکین بزرگ میپرداختند و بدین ترتیب و بحکم تجربه فریفته وعده بورژوازی، زمینگشتند.

خرده بورژوازی حاکم بنا به ضرورت مهار نمودن جنبشهای دهقانی مجبور بود که بغیر از اراضی موات از ناحیه اراضی معادله شده دولتی و حتی اراضی که در مالکیت مالکان بودند هم زمینهای لازم برای اصلاحات را تهیه کند. ماهیت خرده بورژوازی جناح حاکم جمهوری اسلامی اجازه چنین جمارتی را به مالکیت مقدس بورژوازی میداد اما این جمارت هنوز و حشتناک تر از آن بود که رضا اصفهانی تصور میکرد. حدود سه ماه که شمشک درونی و پشت پرده برای مطالعه و تصویب طرحی مجهول (که از یکسوزا اصفهانی آن را تفسیر میکرد و از سوی دیگر مراجع عظام و متخصصین بورژوازی با آن مخالفت میکردند) ادامه یافت. ریشه این کشمکش در چه بود؟

هم چنانکه نشان دادیم خرده بورژوازی مرفه برای حفظ نظم در روستاها و حفظ مالکیت خود بر زمین و حفظ قدرت سیاسی خود پس از نه ماه مقابله با جنبشهای دهقانی و عدم توانایی بورژوازی لیبرال در مهار نمودن این جنبشها - ضرورت اصلاحات یا بهتر بگوئیم تقسیم مقداری از اراضی مورد ادعای دهقانان - میان آنها را در ب می یافت. آنچه برای خرده بورژوازی مرفه اهمیت درجه اول داشت مهار زدن به جنبشهای دهقانی و حفظ نظم در روستاها و البته در درجه اول بشفق قشر خود بود. اما راه و روش و چندی چون اینکار میبایست روشن گردد خرده بورژوازی حاکم با نهایت محافظه کاری به محاسبه مشغول بود. مسئله اصلی در این میان اولاً: مسئله سلب مالکیت از مالکان در مورد زمینهای بود که اجباراً میبایست به دهقانان واگذار شود. و ثانیاً: چگونگی واگذاری زمینهای مشمول طرح اصلاحات بود. در مورد سلب مالکیت حرص و طمع خرده بورژوازی سنتی مرفه در با مصالح مجانی تمام کردن قضیه، با هراس خودی از مسئله سلب مالکیت و انقضاء مالکیت خصوصی (حتی نسبت به مالکیت بورژوازی) در تضاد قرار میگرفت. دستورات شرعی نیز این عمل موحد (!) را منعی مینمود. هم چنین قدرت اقتصادی و هر چند محدود سیاسی بورژوازی نمیتوانست نا دیده گرفته شود. تا شریات چنین عمل غیر قانونی (!) بر روی مسائل مختلف نا چیز نبود و میتوانست حتی روحانیت را شکاف انداخته و بورژوازی را در دفاع از مقدساتش به حرکت خطرناکی درآورد.

چگونگی واگذاری زمینها نیز ذهن خرده بورژوازی حاکم را مشغول میداشت. حرص و طمع خرده بورژوازی نمیگذاشت جز به مالکیت "دولت اسلامی" که خود نقش اصلی در آن دارد به شکل دیگری فکر کند. اما از سوی دیگر تعرض به مالکیت خصوصی بورژوازی بر زمین، استقرار مالکیت دولتی بر آنها و در عین حال واگذاری آن به دهقانان که لاجرم مسئله برنا مریزی مرکزی شوراهای دهقانی را بتوئی بمیان میکشید و در هراس سودنبردن از زمین و به یک کلام در هراس از کابوس شوراها میانداخت. بحثهای داغ درون هیات حاکمه و درون مجموعه روحانیت خلعت تزلزلی، مرددانه و استیمالی خرده بورژوازی جناح حاکم جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد. ایده رضا اصفهانی، و ایده ایزدی بترتیب نهایت انعطاف و با ادراک واقع عقب نشینی دو جناح خرده بورژوازی و بورژوازی جمهوری اسلامی بودند. هیات حاکمه میکوب شد تا بتوئی هردو این ها را در یک طرح واحد بگنجانند و البته با شکست سیاسی جناح بورژوازی لیبرال که ترا و بشفق جناح دیگر سنگینی میکرد.

قطع کامل رسته های خونین امپریالیست ها
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

ضمیمه سیاسی خبری 'روزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹ تک شماره ۱۵ ریال شماره ۲۲

پیک رزمندگان

"کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند...
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی تکیه می‌کنند."
ولادیمیر ایلیچ لنین

زحمتکشان انتقام خون فرامرز حمید را از جلادان خواهند گرفت!

سحرگاه دوشنبه ۹/۴/۲۳
رفیق "فرامرز حمید" که در
وقایع دانشگاه رشت به اسارت
درآمده بود بدست جلادان رژیم
اعدام گردید. وسندی دیگر بر
ماهیت جنایتکارانه و ضد
انقلابی جمهوری اسلامی افزود.
حوزه گیلان سازمان رزمند
گان... در رابطه با اعدام رفیق
فرامرز حمید اعلامیه‌ای با
عنوان "جاوید با دغا طره
رفیق شهید فرامرز حمید"
داده که قسمتی از آن چنین
است:

"من خودم مسلمان هستم.
در دوران انقلاب اسلحه بدست
گرفتم و علیه رژیم شاه جنگیدم
چه کسی می‌توانست پیش من
از خمینی بدیگوید... اما مردم!
همه ما اشتباه میکردیم. والله
بالله کمونیست‌ها حقیقت را
می‌گویند. کمونیست‌ها ضد
بقیه در صفحه ۳۰

کمیته مرکزی سازمان چریک‌ها: مبارزه با ضد انقلاب یا پشت کردن به انقلاب؟

نشان میدهند. پالیزبان
این فاشیست چکمه پوش
رژیم شاه خاشن، در اطراف
کرمانشاه نیرو گرد آورده و به
قتل و غارت مردم زحمتکش
شهر و روستا پرداخته است.
بقیه در صفحه ۲۴

خبر کودتای افسران ارتش
و طرفداران بختیار را شنیدیم.
رادیوهای "آزاد" و "بغداد"
... هر روز برنامه‌های
مختلف بر علیه رژیم جمهوری
اسلامی پخش میکنند و خود را به
ظواهر طرفدار مردم میهن ما

کارگران دلاور بولیوی: مقاومت مسلمخانه در مقابل کودتاگران

را وارد جنگ با زحمتکشان
نمودند تا با سر نیزه جنبش
انقلابی توده‌های کشور بولیوی
را خفه نمایند. اگر چه در این
کشور کودتا زده تاکنون بیش از
۱۸۰ بار کودتا شده ولی این بار
کودتاچیان مزدور امپریالیسم
و سرمایه داران، با یک مانع
بزرگ روبرو شده اند. این مانع
کارگران انقلابی بولیوی
بقیه در صفحه ۹۰

دربولیوی هم کودتا شد!
ارتش بولیوی برای
سرکوب همه جانبه جنبش کارگری
و مبارزات انقلابی
زحمتکشان بولیوی چاره‌ای جز
کودتا نداشت!
سرمایه داران بولیوی
و امپریالیسم آمریکا برای
ادامه استثمار کارگران و زحمتکشان
و چپاول و غارت معادن
بولیوی ارتش مزدور بولیوی



★ جاودان باد خاطر رفیق شهید

☆ محمد تقی ☆

شهرام

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- چراسربازان، این فرزندان زحمتکشان، از
ارتش فرار می‌کنند؟
- بمب گذاری زمینه سازی دیگری برای کودتا!
- رزم کارگران و زحمتکشان سیاه پوست
تیری بر قلب رژیم آفریقای جنوبی!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- و ...

برای افشای اعدام ضد انقلابی دومبارزه؛ در آبادان راهپیمایی شد!

بی برای آزادی طبقه کارگر،
گروه گلسرخي سازمان رزمندگان
آزادی طبقه کارگر، به
منظور محکوم نمودن اعدام
دانشجوی کمونیست هوادار
سازمان پیکار، مهدی علوی
شوشتری و دکتر نریمانی
پزشک انقلابی، راهپیمایی
بقیه در صفحه ۳۰

موج پر خروش تظاهرات کردند.
گان یکصد نفر با دریا وارد شدند،
"پزشک انقلابی، دانشجوی
مبارز توسط ارتجاع گلوله
باران شدند". زندانی سیاه
سی آزاد با بد کرد.
روز پنجشنبه ۱۹ تیر به
دعوت سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگر، وحدت انقلاب

بقیه از صفحه ۱۴

کمیته مرکزی...

با فروریختن توهم واعتماد مردم نسبت به جمهوری اسلامی و نشان داده عدم توانایی رژیم در تسلط بر اوضاع، امپریالیسم دیگر امید به موفقیت جمهوری اسلامی در سرکوب توده ها نداشته و ادامه وضع، بیش از این خطر قوی شدن نیروهای انقلابی را برای او بدنبال دارد.

دارودسته ضد انقلابی بختیار و اویسی و پالیزبان و امپریالیسم آمریکا به چشم خود می بینند که با وجود همه اعدام ها، سرکوب ها و فریب کاری ها که نزدیک به یکسال تمام ادامه داشته است اوضاع تثبیت نگشته است.

آنها می بینند که با گسترش انقلاب و بارودر روی هر چه بیشتر توده ها با رژیم جمهوری اسلامی، مردم کم به منافع خود، به ماهیت رژیم های سرمایه داری، به مبارزات و پیگیری و انقلابی بودن نیروهای انقلابی و کمونیست پی می

برند و این خطر وجود دارد که با گسترش روز افزون انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان به رهبری کمونیست ها قدرت را به دست برند و خود به حل مسائل و مشکلات شان پرداخته و دست سرمایه داران و امپریالیستها برای همیشه از سر خلق های قهرمان ما دور گردد و بهمین خاطر آنها به دست و پا افتاده و از هر طریق می کوشند که دیکتاتور نظامی و فاشیستی خود را جانشین جمهوری اسلامی کنند تا برای یک دوره با سرکوب باز هم آشکارتر، با آوردن توپ و تانک در خیابان و با برقراری حکومت نظامی حکومت سرمایه داران را حفظ کنند و بهمین

علت با رادیوهایشان، با برنامه ریزی برای کودتا با سازماندهی عناصر مزدور، با آوردن نیرو به کردستان این قلب پرطپش انقلاب خود را برای سرکوب خلق گردا زم اکنون آماده میکنند، آنها خلق کرد را هدف خود قرار میدهند. زیرا خلق کرد مسلح است آگاه است تحت فرماندهی کمونیست ها و انقلابیون مبارزه میکند و از اینرو بیشتر بین خطر را برای مزدوران امپریالیسم دارد.

واضح است نیروهای حکومتی، سپاه پاسداران، این حافظین نظام سرمایه داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی که خواهان حفظ قدرت رژیم جمهوری اسلامی هستند با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و قدرت گرفتن داری روسته بختیار مخالف بوده و با آنان به جنگ بر می خیزند و در مقابل تهاجمات آنان مقابله میکنند اینان که در سرکوب کارگران و زحمتکشان و در سرکوب خلق کرد با یکدیگر وحدت و اتفاق نظر دارند و برای کسب قدرت و حفظ قدرت با یکدیگر جنگ میکنند.

با این حساب و با توجه به اینکه سالها حکومت شاهنشاهی و نزدیک به یکسال و نیم رژیم جمهوری اسلامی به توده های ما نشان داد که این هردو حامی منافع سرمایه داران و سرکوبگر خلقها هستند چه باید کرد؟ و در زمانی که آندو جنگ میکنند موضع نیروهای انقلابی و کمونیست ها، موضعی که به نفع توده ها است چیست و چه باید باشد؟ نیروهای انقلابی و کمونیست مبارزه با هردو ضد انقلاب را توصیه میکنند، حزب خائن و ضد انقلابی توده هواداران خویش را به نام نوپسی

در ستاد بسیج ملی که از ارکانهای سرکوب حکومت است، فرا میخواند، سازمان مجاهدین میلیشیای خود را در زمان تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا تحت فرماندهی پاسداران قرار میدهد و کمیته مرکزی سازمان چریکها را دامنه سیاست سازشکارانه خود هواداران خویش را به زیر پرچم سپاه پاسداران فرا خوانده است.

آیا جنگ سپاه پاسداران و پالیزبان در جهت منافع توده ها است که مردم از یک در مقابل دیگری دفاع کرده و خواهان پیروزی یکی از طرفین باشند؟ نه! این جنگ، جنگ میان بین دوزدا و انقلاب است، و توده ها باید منافع مستقل خود را در مقابل هردو پاسداری کنند!

کمیته مرکزی "س.ج." با یک اعلامیه به هواداران خود چنین رهنمود میدهد: "با بوجود آوردن دستجات منظم به سپاه پاسداران مراجعه نموده و آمادگی خود را برای سرکوب ضد انقلابیون اعلام کنید" رهنمود کمیته مرکزی "س.ج." چنین است: برای جنگ با پالیزبان و بختیار ضد انقلابی با سپاه پاسداران که سرکوبگر کارگران و زحمتکشان است همکاری کنید به زیر فرماندهی سپاه پاسداران که ۷۰ کیلومتر از نظر فتر در شهرستان مبارزین و انقلابیون قهرمان کرد را به گلوله می بندد و بر و با سپاه پاسداران که در ۴۰ کیلومتر از نظر فتر جایی که از پالیزبان نشان نیست چنان کشتاری میکنند که اگر

بختیارها و پالیزبان ها هم به قدرت برسند انجام میدهند، به اتحاد عمل دست بزنید! آنها به هواداران خود رهنمود میدهند که فرا موش کنید این پاسداران تا بستن ۵۸ بهتر بین فرزندان دلیر خلق کرد را کشتار کردند، فرا موش کنید کارگران و زحمتکشان در همبازهای با اینان رودر رو بوده اند، و فرا موش کنید که اینان در قدرت و حامی سرمایه داری وابسته و سرکوبگر خلقها هستند، از دامن یک ضد انقلاب به دامن ضد انقلاب دیگر پناه ببرید و با ضد انقلاب دوم که اگر شما را گیر بیاورد تیرباران خواهد کرد به همکاری بنشینید!

کمیته مرکزی "س.ج." که مدت زمانی است سریعاً راه پشت کردن به انقلاب و سازشکاری آشکار را میپیماید، تنها یک چیز را فرا موش کرده است و آن قدرت توده ها و مقابله با هردو ضد انقلاب با پشتیبانی خود توده ها با سازماندهی و با آگاه کردن خلقهای قهرمان ایران است.

کمیته مرکزی "س.ج." که در مبارزه طبقاتی، راه سازش طبقاتی را پیش گرفته، و فرا موش کرده است که یک نیروی انقلابی و کمونیست همواره از منافع توده ها و به پشتیبانی قدرت آگاه های شکل توده ها حرکت میکند، اینک به جای قرارداد انقلا ب - خلق قهرمان کرد و سازمانهای سیاسی انقلابی و کمونیست نیست - در مقابل دوزخیت انقلاب راه مماشات با رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را میپیماید، و نه تنها خود چنین میکند بلکه از هواداران خود میخواهد که "ضرورت همکاری کردن با سپاه پاسداران را با بقیه در صفحه ۶۰

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۱۴

فرامرز حمید...

انقلاب نیستند. خدا انقلاب خود حکومت است... اینها سخنان آتشینی است که از سینه پردرد و کینه یکی از بستگان رفیق شهید فرامرز حمید بیرون می آید. سحرگاه دوشنبه ۲۳ تیرماه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی با تیرباران رفیق فرامرز حمید که در وقایع دانشگاه دستگیر شده بود، جنایت تازه ای مرتکب شدند. جنايتكاران جمهورى اسلامى بشیوه مزدوران ساواک بهترین فرزندان انقلابی خلق را به جرم دفاع از آزادی و حقوق کارگران و زحمتکشان دربیدا دگا ههای مخفی اعدام میکنند. در راه دیوانها را قتل — چاقچی مینا مذو بعداً برای تو — جیه جنایت خود در اطلاعیه پیدا دگاه انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران مینویسد که نامبرده در روز حادثه دانشگاه کار دستگری با خود حمل میکرده است. ما میگوئیم که حتی اگر رفیق فرامرز کار دستگری با خود حمل میکرده است، مرتجعینی

چون هادی غفاری، اوباشان جردی حاکم شرع ادامه دارد. حزب الهی و سپاه پاسداران از قبل با خودشان کلت و ژ — آ — ورده بودند و اصلاً به قصد خونریزی به دانشگاه آمده بودند. اگر قرار باشد کسی به عنوان مسبب حوادث دانشگاه محاکمه و اعدام شود چنین مرتجعینی سزاوار اعدام هستند نه انقلابیونی چون رفیق فرامرز — رز — ارتجاع حاکم حاضر نیست کلمه ای از حقیقت را بگوش مردم برسد. به همین دلیل است که از وحشت قضاوت توده ها، دادگاهها را مخفیانه برگزار میکنند. چرا که اگر دادگاهها علنی باشند مردم پی خواهند برد که حمیدها و دکتر نریمیاها و علوی شوشتری ها و مؤذنها و دانیالی ها که این روزها پشت سر هم در رشت و اهواز و کردستان قهرمان در مقابل جوغه آتش تیرباران میشوند همان گلسرخی های دوره رژیم شله هستند که تنها جر — شان دفاع از آزادی و حقوق کارگران و زحمتکشان است. هموطنان!

همانطور که در دوران رژیم شاه برای نجات جان زندانیان سیاسی و رهائیشان از زندان مبارزه کردیم، اکنون هم بپا خیزیم و با تمام قوا به افشای جنایت تیرباران رفیق حمید بپردازیم و مانع تیرباران بقیه زندانیان سیاسی بشویم و در راه آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی مبارزه کنیم.

در تشییع جنازه رفیق فرامرز تعداد کثیری شرکت کردند دست به راهپیمایی زدند و شعار دادند. در مجلس ترخیم رفیق فرامرز در گورستان شهر ۱۲ هزار نفر شرکت کردند.

* * * رژیم جمهوری اسلامی به عنوان حافظ نظام سرمایه

بی دادگاههای مخفیانه بریاست مرتجعین و جلادانی همچون کریمی دادستان و برو —

داری وابسته نمیخواهد و نمیتواند به نیازهایی توده های زحمتکش میهنمان پاسخ مثبت دهد. به این دلیل دست به سرکوب توده ها، و نیروهای انقلابی میزند. به شدت از آگاه شدن و متشکل شدن توده های زحمتکش وحشت دارد. به همین دلیل کمونیستها و نیروهای انقلابی که نقش برجسته ای در آگاه نمودن و متشکل کردن توده ها دارند، آماج حملات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند. رژیم جمهوری اسلامی که کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی را مانع رسیدن به مقاصد فدا انقلابی خود میدانند کمونیستها و نیروهای انقلابی را دستگیر میکند، ب —

زندان میاندازد، شکنجه و تیرباران میکند. ما با صدای بلند فریاد میزنیم: با اعدام انقلابیون، ما کمونیستها به عزاداری نخواهیم پرداخت. اعدام فرامرز حمیدها، علوی شوشتریها، نریمیاها، تنها کینه طبقاتی ما را نسبت به سرمایه داران، مرتجعین و امپریالیستها و مزدوران آنها این دشمنان زحمتکشان شعله ور

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۹

در آبادان...

در شهر آبادان برگذار شد. در این روز از صبح رادیوهای اهواز و آبادان از مردم میخواستند که بنا به دستور وزارت کشور در این راهپیمایی شرکت نکرده و برای جلوگیری از راهپیمایی به کوی کارگر بروند. با وجود این تبلیغات تعداد قابل توجهی از توده های مردم برای شرکت در راهپیمایی در محل حاضر شدند و بجز دود و دود حزب الهی مزدور حکومت کسی به دعوت رژیم پاسخ نگفت. با وجود جلوگیری سپاه پاسداران از عبور جمعیت از مسیر تعیین شده راهپیمای —

بی راس ساعت ۸ آغاز شد. و صدای رعد آسا و قدرتمند کارگران و زحمتکشان که لز — زه براندام پاسداران سرمایه میانداخت، همصدایا فریاد انقلابیون و کمونیستها شنیده میشد: "از قحطی و گرانی مردم به تنگ آمدند" "سپاه پاسداران، ارتش ضد خلقی، از کردستان ایران، اخراج باید کردند"، "پیمشگره قهرمان خاطرات جاودان" و فریاد اعتراض خود را علیه تمام ستم های رژیم جمهوری اسلامی به گوش همه میرساندند. اما ارتجاع و مزدوران حکومتی در وحشت از این خروش توده ها و همستگرا نشان بی کار ننشسته و تلاشی مذبحانه را آغاز کردند. کوکلت موله تف و حماه.

به سوی جمعیت پرتاب میکردند و سپاه پاسداران نیز با تیراندازی هوایی وارد میدان شد. دکه های گروههای سیاسی این خارچشم ارتجاع و مزدوران حکومتی مورد هجوم حزب الهی ها قرار گرفتند که با مقاومت توده های قهرمان خلق عرب و انقلابیون روبرو شدند. هنگام حمله به دکه رزم متعلق به هواداران سازمان ماتعداد زیادی از مردم به حمایت از دکه ها بر می خیزند. پاسداران که مردم را در مقابل خود میبینند به شدت وحشت کرده و پشت سر هم تیراندازی هوایی میکنند.

برای شرکتات وحشیانه پاسداران و حزب الهی های ماده، تعدادی از راهپیمایان

راهپیمایان میپیوندند و فریاد میزنند "مرگ بر پاسدار حامی سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع" پاسداران که تعدادشان دوبرابر شده بود حمله میکنند و مردم به سوی کوچه ها میدوند. اما در تمام خانه ها به روی راهپیمایان باز است سپاه پاسداران که اوضاع را به ضرر خود میبیند از ترس آبروریزی بیشتر میدان را ترک میکند.

بحث میان مردم و تظا — هرات پراکنده، تا نیمه های شب ادامه مییابد و اعدام انقلابیون، به تجربه ای جدید و مبارزه ای با زهم آشکارتر میان توده ها و پاسداران سر — مایه برای کارگران و زحمتکشا



رزم کارگران و زحمتکشان سیاهپوست: تیری بر قلب رژیم آفریقای جنوبی!

همراه با زنان و مردان کارگرو زحمتکش نقش مهمی در پیشبرد امر مبارزه زحمتکشان آفریقای جنوبی دارند.

مبارزات خلق آفریقای جنوبی از روز ۲۶ خرداد امسال اوج نوینی یافته است.

۴ سال پیش در ۲۶ خرداد ۶۱۸ نفر از زحمتکشان شهر "سوتو" با رگبار گلوله های سرمایه داران و حامیان امپریالیست آنها به خاک و خون کشیده شدند.

از آن تاریخ همه ساله در ۲۶ خرداد با وجود تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم آفریقای جنوبی کارگران و زحمتکشان با تظاهرات و مبارزات خود یادشیدان خود را گرامی میدارند و کینه و نفرت طبقاتی خود را نسبت به رژیم سرمایه داری وابسته آفریقای جنوبی اعلام میدارند.

آفریقای جنوبی، این سرزمین معادن طلا و الماس، این سرزمین ثروتمند، با خلقی گرسنه و ستم کشیده، دیربست که دیگر جزیره ثبات سرمایه داران مپریالیستها نیست.

رژیم آفریقای جنوبی، این دژ امپریالیسم در آفریقا، ماوای ضد انقلاب در زیمبابوئه، کنگو و همه ضد انقلابیون دیگر کشورهای آن منطقه، اینک خود با یکی از بی گیرترین شو-رشا و مبارزات دلورانه کارگری روبرو شده است.

بیش از یکمهاست که مبارزات کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی به اشکال مختلف تظاهرات، اعتصابات ادامه دارد و رژیم ناندان مسلح، نژادپرست و ضد خلقی آفریقای جنوبی از هیچ کوششی برای درهم کوبیدن مبارزات کارگران خودداری نکرده است. پس از گذشت یکماه

علیرغم وحشیانه ترین و آشکارترین شکل های سرکوب و استقرار مزدوران ارتشی در کارخانه ها، کارگران به مقاومت و مبارزه دلورانه خود ادامه میدهند.

مبارزات گسترده اخیر در آفریقای جنوبی محدود به طبقه کارگر نیست. موج اعتصابات و تظاهرات تمام مناطق سیاهپوست نشین را فرا گرفته است.

دانش آموزان این فرزند-ان رنج و محرومیت و ستم، محلات سیاهپوست نشین را به سنگرمبارزه تبدیل نموده و

چهره واقعی و ماهیت ضد مردمی را از توده ها مخفی کند و تبلیغات زهرآگین بر علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی بین انقلابیون کمونیست و توده ها جدایی بیاندازد، ولی در آفریقای جنوبی دیگر این گونه تبلیغات فریبکارانه خریدار ندارد. زحمتکشان سیاهپوست سالهاست که حکومت خون و باروت، شکنجه و زندان، فقر و محرومیت، تبعیض نژادی و ستمگری چپاولگری آفریقای جنوبی را

دادند. کارگران با اعتصابات خود دهها کارخانه همچون فولکس واگن، گودیر و فورد را به تعطیل کشاندند. حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی به مقابله با کارگران و زحمتکشان پرداخت. آنها همچون تمام رژیم های سرمایه داری ضد خلقی کارگران و دانش آموزان مبارز را "عناصر آشوبگر کمونیست" خواندند تا بلکه بتوانند بین نیروهای انقلابی

کارگران و زحمتکشان سیاهپوست آفریقای جنوبی علاوه بر آنکه مانند تمام کارگران و زحمتکشان جهان استعمار میشوند، بخاطر رنگ پوستشان نیز تحت انواع ستم و محرومیت ها قرار دارند.

با پوست و گوشت و خون خود لمس کرده اند.

سالهاست که کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی شاهد بهدیه بارت رفتن دسترنجشان هستند. سالهاست که خلق آفریقای جنوبی شاهد چپاول منابع زیرزمینی خود توسط سرمایه

و طبقه کارگرو سارقان خلق جدایی بیاندازند. اما ماهیت استعمارگر و جنایتکار رژیم آفریقای جنوبی آن چنان برای زحمتکشان روشن است که دیگر این گونه تبلیغات فریبکارانه تاثیری ندارد. اگر رژیم چون جمهوری اسلامی میتواند برای مدت کوتاهی

امسال دوماه قبل از سالروز ۲۶ خرداد، دانش آموزان با تظاهرات گسترده به استقبال این روز شتافتند. در آستانه این روز، دهها هزار کارگر با دست از کار کشیدن و پیوستن به تظاهرات خیابانی، ابعاد نوینی به جنبش رهایی بخش زحمتکشان آفریقای جنوبی

بقیه از صفحه ۳۴

ترخواهد گردانید. وعزم را سخما را در آگاه نمودن توده ها، در متشکل کردن آنها، در نابودی نظام سرمایه داری وابسته مدچندان خواهند نمود. ما با صدای

در جریان تشییع جنازه و مراسم ترحیم در گورستان رفیق فرا مرزگردانندگان سازمان چریکهای فدایی (اکثریت سعی میکردند شعرا را فقط بر علیه آمریکا با شلوغی

همانطور که در دوران رژیم شاه برای نجات زندانیان سیاسی و رهائیشان از زندان مبارزه کردیم، اکنون هم بپا خیزیم و با تمام قوا به افشای جنایت تیرباران رفیق حمید بپردازیم و مانع تیرباران بقیه زندانیان سیاسی بشویم و در راه آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی مبارزه کنیم.

بلند فریاد میزنیم: اعدای بی شمار انقلابیون کشتارهای بسیار در تمامی شهرهای ایران و بمباران کردستان قهرمان هیچکدام، اراده ما کمونیستها را نخواهد شکست. در حاشیه این گزارش:

ترتیب ماهیت ضد انقلابی و جناحیتکاران رژیم جمهوری اسلامی را لایوشانی میکردند. ولی کمونیستهای واقعی و توده های آگاه و خشمگین سعی کردند با شعارهایی نظیر "زحمتکشان بدانید، عاملین سرمایه فرزندتان را کشتند" مرگ برپا سدار جنایتکاران واقعی را به توده های مردم نشان دهند.

بقیه از صفحه ۲۴

رزم

داران وابسته و امپریالیستها است.

سالهاست که امپریالیستها با همدستی سرمایه داران وابسته با برپا کردن ۴۰۰ کمپانی بزرگ همچون کارپیلار، کرایسلر، فایرستون، جنرال الکتریک، جنرال موتورز و.....

حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان سپاه پوست و منابع زیرزمینی آفریقای جنوبی را غارت میکنند.

رژیم آفریقای جنوبی علاوه بر همه، ستمها و بهره کشی هایی که بر خلق آن کشور وارد میکند، خلق سیاه پوست اپ

سرمین را زیر وحشیانه ترین ستم نژادپرستانه نیز قرار میدهد. کارگران و زحمتکشان سیاه پوست آفریقای جنوبی علاوه بر آنکه مانند

تمام کارگران و زحمتکشان جهان استعمار میشوند، بخاطر رنگ پوستشان نیز تحت انواع ستمها و محرومیت ها قرار دارند.

سیاه پوستان آفریقایی جنوبی بوسیله سرمایه داران نژادپرست، به تحقیر آمیزترین و غیر انسانی ترین شکلی تحت فشار قرار دارند. آنها از حق انتخاب شغل محرومند. وسایل رفاهی فقط در اختیار سفید پوستان است. سیاه پوستان حق استفاده از پارکها و رستورانها و سینماها و سایر مراکزهای عمومی را ندارند.

در شرایطی که ۷۰٪ جمعیت آفریقای جنوبی را سیاه پوستان و دورگه ها تشکیل میدهند آنها تنها در ۱۳٪ از خاک میهن خود حق عبور و رفت و آمد دارند.

درب دانشگاهها جز در موارد محدود برای سیاه پوستان بسته است.

زحمتکشان سیاه پوست اکثرا

بقیه در صفحه ۶۴

چگونگی دستگیری رفیق شهید فرا مرز حمید به شکل بوده، رفیق فرا مرز حمید با عده ای از رفقایش دکه کتاب فروشی در محله ساغر بسازان رشت زده بوده و معمولاً در اطراف دکه بحث هایی صورت میگرفته است. شخصی از اهالی محل بنام کاظمی لیسانس شاعری در جهاد سازندگی که از وجود دکه و بحث ها شدیداً دلخور بوده و همیشه علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی مردم را تحریک میکرد ده و حتی چند بار با فرا مرز درگیری لفظی پیدا کرده بود مشخصات فرا مرز را به سپاه پاسداران میدهد. فرا مرز هم که روز حمله به دانشگاه بعد از درگیری در حوالی دانشگاه بوده توسط سپاه پاسداران دستگیر میگردد.

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۳۴

جهاد سازندگی کردستان تعطیل شده است و تا چند روز دیگر کلاً تعطیل خواهد شد. ارتش و پاسداران میگویند که برای آزادی افرادی گناه هیچ راهی جز راه حل نظامی وجود ندارد و تهدید به بمباران دهات بانه، محاکمه و اعدام دستگیرشدگان میکنند (جالبست که قبل از محاکمه حکم اعدام را صادر نموده اند) آنها بیشمارانه چنین وانمود میسازند که گویا تاکنون از این روشها استفاده نکرده اند و این اولین بار است که، میخواهند اینکارها را انجام دهند. در واقع بمباران و سوزاندن دهات و اعدام مردم، برنامه رژیم در سر تا سر کردستان بوده و اکنون با این روش تازه دربار نه مثلاً میخواهند مردم را در

مقابل سازمانهای سیاسی قرار بدهند در حالیکه این اعمال پنجاه درصد از کارهای جزو کارهای روزانه و عادی جمهوری اسلامی شده است. علاوه بر این هم اکنون در سنج و سقز و بانه و میوان مدها نفر از مردم بی دفاع را بدون هیچ دلیلی بگروگان گرفته و تحت بازجویی و شکنجه قرار داده اند و برای نمونه تنها در یکی از زندانهای سنندج ۱۲۰۰ نفر از مردم شهر را در اسارت دارند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) بارها سیاستش را در مقابل اسیران اعلام نموده است. ما بطور کلی همیشه حاضریم و آماده ایما دله اسرا بوده ایم و تاکنون چند مورد اسرا را با دولت مبادله نموده ایم و اکنون

نیز همان سیاست همیشگی را دنبال میکنیم. و بهیچوجه تسلیم سیاست تهدید و فشار حکومت نخواهیم شد و رژیم نمیتواند شرایط خودش را با تحمیل نماید. این شیوه جدیدی است که رژیم ضد خلقی برای سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد کشف نموده و بخیال خودش از این به بعد سیاست تهدید و آزار را به سیاستهای سرکوبگرانه اش اضافه مینماید.

ما از همین ابتدا در جواب این اعمال فشار و تهدید و برای خنثی نمودن آنها اعلام میداریم که در صورت اعدام زندانیان بانه که اکثراً دختر و زن بوده و همگی بیگناه هستند یا ارتکاب هر نوع جنایت در مورد روستاهای بانه بی تفاوت نبوده و مطمئناً به تعهدات انقلابی خود عمل خواهیم نمود.

کمیته مرکزی...

تمام انرژی انقلابی خود برای زحمتکشان توضیح دهند" (نقل به معنی)

چگونه مردم قهرمان کر-
ما نشاء، قصر شیرین و کمرند
غرب که همواره با وحشیگری
های سپاه پاسداران روبرو
بوده اند، همواره زورگویی ها
و سرکوب ها و حمایت های پاسدا
ران را از سرمایه داران دید-
ه اند و در تمام می شریکات
انقلابی و کمونیستی و حتی خود
"کار" درباره این جنایات
در سراسر ایران و مشخصا کرما-
شاه خوانده اند، حاضر شوند
با سپاه پاسداران همکاری
کنند و اصولاً چرا باید همکار
کنند؟ آیا جنگ سپاه پاسدا-
ران و پالیزبان در جهت منافع
توده ها است که مردم از یکی
در مقابل دیگری دفاع کرده و
خواهان پیروزی یکی از طرف-
فین باشند؟ نه! این جنگ،
جنگ ما بین دوزدا و انقلاب است
و توده ها باید منافع مستقل
خود را در مقابل هر دو پاسداری
کنند مردم باید تحت رهبری
سازمانهای کمونیستی و انقلابی
بی با هر دو ضد انقلاب مبارزه

کنند و خلق کرد، قبلاً هم
چنین کرده است خلق سلاح سپاه
رزگاری توسط کومه له که از
عوامل حزب بعث عراق، ضد
انقلاب و همچنین با رژیم
جمهوری اسلامی تضاد داشتند یکی
از این نوع سیاستهای انقلاب-
بی و مبارزه با تمامی ضد
انقلابیون است. سازمان انقلابا
بی زحمتکشان کردستان ایران
علیرغم مبارزه با رژیم جمهو-
ری اسلامی نه تنها از هراس
نیروی که با این رژیم مخال-
ف باشد پشتیبانی نمیکند،
بلکه با هر ضد انقلابی مبارزه
میکند حتی اگر با جمهوری اسلامی
مخالف باشد و از این نیرو و به
همین ترتیب تضاد و دشمنی
کمونیست ها و انقلابیون با

پالیزبان ها و بختیارها به
معنی آن نیست که آنها بخواب-
هند زیرا فرمان پاسداران که
حافظ منافع دشمنان خلق
هستند و این راه روز به تمام
مردم ما نشان داده اند، ما-
رزه کنند، کمونیست ها و نیرو-
های انقلاب باید با تکیه بر
توده ها و با توجه دائم به منافع
آنها با تمام نیروهای
ضد انقلابی مبارزه کنند.
کمیته مرکزی سازمان
چریکها خطاب به هواداران خود
مینویسد: "باید ارتباط ها
ورفت و آمده های مشکوک جاشها
و پایگاههای داخلی با نداشت
انقلابی بختیار- پالیزبان
را دقیقاً کنترل نماید." با
یاد کمیته مرکزی سازمان
چریکها پرسید: جاش ها، مورد
حمایت چه کسانی هستند؟ نشر-
یه کار در شما رزه ۵۵ بعد
از توضیح زندگی ننگین چند
بین تن از آنها درباره شان
نوشته است: "... هیئت حا-
که که در میان خلق کردپا-
یگاههای نداد در صدد آن است
که با تطهیر اعمال ننگین
جاشها این مزدوران را وسیله
پیاده کردن نقشه های سرکوب-
بگرا نه خود نما یی و با گذاردن

کمونیست ها و نیرو-
های انقلاب باید
با تکیه بر توده ها و با
توجه دائم به منافع
آنها با تمام نیروهای
ضد انقلابی مبارزه کنند!

نام پیشمرگان مسلمان کرد
بر آنها میخواستند اما هیئت
ضد خلقی این مزدوران و ا-
بسته به رژیم سابق و
فتوادلها را استوار نماید."
(تاکید از ما ست کار ۵۵
ص ۸، ۳ اردیبهشت ۵۹)
حال چگونه میتوان یک
جاش، یک جاسوس انقلابیون
و خلق مبارز کرد و یک مزدور را
که حاضر به قتل عام و تیربار-

ران تمامی کمونیست ها و
انقلابیون و همدست پاسدا-
ان و دقیقاً در خدمت آنان
است را کنترل کرد و همچنین
در تحت فرماندهی پاسداران
کار کرد و به مردم ضرورت
همکاری با پاسداران را توضیح داد؟!

اما کمیته مرکزی س.ج.باز
هم بر این مساله پای میفشرد
در حالیکه سپاه پاسداران
اصلاً و به هیچ وجه این درخواست
را قبول نمیکند، در حالیکه
روزنامه های دولتی از پیوستن
شدن اسناد فدائیان در جیب
مزدوران یا بقول خودشان
مهاجمین (پالیزبان ها و
مزدوران آنها) سخن میگویند
(رجوع کنید به کیهان شنبه ۱۴
نیر) در حالیکه جاشها این
همدستان پاسداران به
بمب گذاری در میتینگ فدائیان
ن ترور کمونیست ها و انقلابیون
و ایجاد ترور و وحشت در تمام
کردستان مشغولند.
زیرا آنها در عین حال
که با پالیزبان ها میجنگند
میدانند که بدترین دشمنان
کمونیست ها و نیروهای
انقلابی هستند و لحظه ای از این
مسئله غافل نمیشوند که دست
آنها را نیز از قدرت کوتاه
و نفوذ آنها را نیز در میان
توده ها کم کنند.

آنها همچنانکه به سازمان
مجاهدین پاسخ دادند به شما
نیز پاسخ خواهند داد، جواب
آنها به سازمان مجاهدین این

رزم کارگران و...

بقیه از صفحه ۵۵

بود که امپریالیسم آمریکا
در کردستان، در کارخانه ها
و در مبارزات کارگران به کار
حضور دارد، باید به تمام
تمام اینها نیز مبارزه کرد
پس چرا شما در این کارها تنها
ما همکاری نمیکنید؟! "

انقلاب روز به روز گسترش
میابد، توده ها روز به روز
بیشتر اطمینان نشان را از
جمهوری اسلامی از دست میدهند
و روز به روز بیشتر از ما دگمی
مقابل به تمامی نیروهای
ضد انقلابی را پیدا میکنند و
سیاستهای سازشکارانه
کمیته مرکزی "س.ج."، پشت
کردن کمیته مرکزی س.ج. به
مبارزه طبقاتی و به انقلاب
همراه با این موج انقلابی-
زمان چریکها (اکثریت) را
بیشتر از توده ها دور و به ضد
انقلاب نزدیک میکند، توده ها
بی که روز به روز بیشتر در مقابل
رژیم جمهوری اسلامی قرار
میگیرند، مسلماً روز به روز
بیشتر ما هیت نیروهای بی راکه
میگوشند برای منافع خود
هنوز آنها را در بند توهم نگهد-
ارند می شناسند، در واقع در جبهه
یان گسترش انقلاب، کمیته
مرکزی سازمان چریکها تمام
سیاستهایش و تمام قولهای
که به آقای بهشتی داده است
و یکی یکی اجرا میکند، افشاء
شده و موج انقلاب این انحراف-
فات و کج روی ها را آشکار
و پیش خواهد رفت! ★

دست زده و علیه تمامی مظاهر
ستمگری به مبارزه برخاسته اند
این مبارزات نویدبخش آیند-
های تابناک و درخشان برای
طبقه کارگر در سراسر جهان و از
جمله ایران است. آئینده ای که
در آن تمامی رژیم های سرمایه
داری و امپریالیستی در سراسر
جهان نابود گشته و کامیست
کارگران و زحمتکشان بر پرچم
سرخ سوسیالیسم بر فراز جهان
به اهتزاز در خواهند آمد. ●

در محلاتی نظیر "زورآباد" و "حلبی
آباد"، "یاخچی آباد" خودمان
زندگی میکنند و حتی خلق
و روده محلات سفیدپوستان
را ندارند.
اما این کارگران و
زحمتکشان و سایر اقشار خلق
افریقای جنوبی بر علیه سرمایه
داران و رژیم پوسیده سرمایه
داری و نژادپرستان این کشور به
مبارزات گسترده و سرکشانهای



کارگران ساکا هم چنان برای آزادی نماینده خود مبارزه می کنند!

آنها ۹ نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره با قدوسی فرستادند. اما حکومت سرمایه داران هرگز منطق کارگران را نمی فهمد. قدوسی، کارگرانی را که برای مذاکره با او رفته بودند، دستگیر می کند و بزند. میاندازد. خبر اسارت نمایندگان، خشم کارگران را بر می انگیزد. آنان می کوشند تا صدای خود را به گوش همه برسانند. کارگران تصمیم می گیرند به دیدن بنی صدر بروند. شبی که فردایش برای رفتن به کاخ ریاست جمهوری قرار گذاشته شده بود، سپاه پاسداران شبانه به منزل راننده های کارخانه رفته و آنها را نیمه شب با اتوبوسهای سرویس به کارخانه می آورد، تا کارگران صبح فردا نتوانند به سراغ بنی صدر بروند! کارگران صبح به کارخانه می آیند و با هم به سراغ بنی بقیه در صفحه ۸۶

به مبارزه ای گسترده زده اند. آنها این امکان را یافتند که در تجربه های مشخص و روزمره خود، با خیل ازارگان های حکومتی درگیر شده و ماهیت واقعی آنان را دریابند. مبارزه این کارگران که از اوایل خرداد بر سر چگونگی اداره کارخانه آغاز شده بود، در اواسط خرداد، با ورود "جزایری" نماینده وزارت صنایع و معادن، شدت تازه ای یافت. کارگران معتقد بودند که به همسراهِ نماینده دولت، باید دو نفر از کارگران هم در مدیریت شرکت داشته باشند. اما جزایری که از بستگان نزدیکی رفسنجانی است، زیر بار این عقیده نرفت و درگیری آغاز شد. کارگران مطابق معمول، با نهایت مسالمت، ابتدا کوشیدند تا منطق خود را به گوش همه برسانند و با دلیل و برهان دیگران را قانع کرده و از حقوق خود یادآوری کنند.

چرا عناصر ضد کارگران از انتشار پیکر نساج و نساج مبارزه می ترسند؟

در کارخانه چیست تمام سرمایه داران جهان و حکومت های طرفدار آنها، چه در دوران شاه خائن و چه در رژیم جمهوری اسلامی، با تمام نیروی خود کوشیده اند تا آگاهی طبقاتی را به میان کارگران ببرند. گردانندگان این نشریات، سالهاست که درس گرامسک طبقاتی کارگران ایران، از یکسو سنگینی هولناک استثمار سرمایه داران را بر گردن های نیرومندان خود تحمل کرده و از سوی دیگر، با بهره گیری از نیروی لایزال طبقه کارگر و عشق بی پایان به آمان های پر شکوه کارگران و زحمتکشان به مبارزه ای بی امان با تمام دشمنان بشریت دست زده اند. برآستی در میان این نشریات چه چیزی نهفته است، که دشمنان طبقه کارگر، با آن همه تبلیغات عظیم خود، تاب تحملش را ندارند و از پخش آنها در میان کارگران به وحشت می افتند؟

ما جواب این سؤال را به خوبی میدانیم! ما بخوبی میدانیم که هیچ ورقه ای به تنهایی نمیتواند ترسناک باشد! سرمایه داران و دولت

سازی تهران، اعلامیه ای با مضای شورای کارکنان کارخانه منتشر شده که روزنامه حکومتی اطلاعات هم آنرا در روز سه شنبه ۳۱ تیر به چاپ رسانیده است. در این اعلامیه درباره "نشریات بنام "پیکر نساج" و "نساج مبارز" هشدار داده شده و از مقامات دولتی خواسته شده است که از چاپ این قبیل نشریات جلوگیری کنند. راستی چرا این آقایان حکومت را برای فعالتر کردن تشکیلات ساواک جمهوری اسلام می و تفتیش عقاید، تشویق میکنند؟ مگر در این نشریات چه چیزی نوشته میشود که اینها اینهمه از آن وحشت کرده اند و برای جلوگیری از انتشارش از دولت سرمایه داران کمک خواسته اند؟

بیشتر کارگران کارخانه نجات نساجی های تهران (و حتی بعضی از شهرستانها) مدتهاست که این نشریات را می شناسند و با آنها آشنایی دارند. گردانندگان این نشریات، از کارگران زحمتکش کارخانه های نساجی هستند که با عشق و ایمان به راهی طبقه کارگر و برقراری جامعه بی طبقه کمونیستی و نیز با کینه

اعتراض کارگران چیت ممتاز به کاهش دستمزد

رمندر سیدگی به رانندمانها (رفته بودند در جواب اعتراض خود شنیدند که: "شما تا بحال روزمزدی کار نمی کردید ولی از این ببعده کارمزدی شده اید به این دلیل است که حقوقتان کمتر شده!!" قابل توجه است که بدانیم از ماه گذشته - یعنی از پانزده خرداد - تازه حقوق کارگران طبق دستورالعمل های وزارت کار به ۶۳۵ ریال افزایش یافته بود و هنوز یک ماه نگذشته، با این کار، همان دستمزد ناچیز هم مورد هجوم سرمایه

روزی پانزدهم تیرماه، وقتی که کارگران زحمتکش کارخانه چیت ممتاز به سرکار میروند، خبر میرسد که از حقوق تمام آنها مقداری کم کرده اند. (بطور متوسط روزانه ۵ تومان) کارگران از این حرکت ناراحت میشوند. و هر کدام بطور فردی به سرپرست مراجعه کرده و علت را جویا میشوند. اما معلوم است که سرپرست ها چه میگویند! آنها تأیید میکنند که این خبر درست است و از امروز دستمزدها کم شده است! اعدای از کارگران که به شدت قاضی داده اگا-

بمب‌گذاری زمینه‌سازی دیگری برای کودتا!

آنها با انجام این عمل تنگین خود با ردیگرما هیت ضد خلقی و ضد انقلابی خویش را بوضوح به نمایش گذاشتند. این خائنین که از خشم خلق فراری شده‌اند، بعلمت اعمال ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی که توده‌ها را به ناراضی و بی‌وفایی وسیع کشانده است، گستاخ شده و با ردیگرما عیه رهبری جامعه و حکومت را پیدا کرده‌اند.

مردم ما چهره‌پلیدی این خائنین را بخوبی می‌شناسند و هرگز اجازه نخواهند داد با دیگر این جانیان بر سر نوشت آنها مسلط شوند. ★

عوامل مزدور بختیار، بالیزبان، اویسی، وهمه سرمایه‌داران و ژانرالیهای فراری رژیم شاه، بیکار ننشسته‌اند، آنها از یکطرف در راه‌های خود، با حمله به رژیم جمهوری اسلامی می‌خوابند و از طرفی با حق توده‌ها با منفع خویش سوء استفاده کنند و از طرف دیگر، با فرستادن نیروهای نظامی به اطراف کرمانشاه و انفجار بمب قدرت خویش را بر خ کشیده و ایجا داغتشا و وحشت کنند. زمینه را برای یک کودتای نظامی دیگر آماده کنند. انفجارات اخیر بمب در تهران، به همین علت است

بقیه از صفحه ۷۴

در همان اعلامیه‌گذاری ادعا می‌کنند که این نشریات "افکار پاک کارگران را مخدوش می‌آورد" ما بخوبی معنی این جملات را می‌فهمیم! آری! اگر افکار پاک کارگران، از توطئه‌های سرمایه‌داران با خبر شود، اگر افکار پاک کارگران از جنایات رژیم سرمایه‌داران مطلع گردد و اگر افکار پاک کارگران به قدرت لایزال خود پی ببرند، و راه نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته را بدانند دیگر هرگز هیچ سرمایه‌داری آب‌خوش از گلویش پایین نخواهد رفت! دیگر هیچ حکومت سرمایه‌داری قادر نخواهد بود که با استثمار کارگران و زحمتکشان کمیدن خون آنها، منافع کثیفش را تامین کند.

آری! کارگران آگاه و مبارز قدر این نشریات را میدانند و برای پخش آن در میان کارگران، از هیچ کوشش فروگذار نخواهند کرد. ★

و عمال آنها به این دلیل از این نشریات وحشت دارند که این گونه نشریات ذهن کارگران را روشن می‌کند، به آنها آگاهی طبقه‌ای می‌دهد که کارگران یاد می‌دهد که چگونه دوستان و دشمنان نشان را بشناسند.

این گونه نشریات به کارگران راه درست مبارزه را نشان می‌دهد. کارگران را در جریان اخبار جامعه، جنایات سرمایه‌داران و رژیم جمهوری اسلامی می‌گذارد و کارگران را در جریان مبارزات سایر همزمان نشان قرار می‌دهد. نشریات چگون پیک نساچ و نساچ مبارز ضرورت اتحاد و آگاهی و تشکل کارگران برای نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته را برای کارگران شرح می‌دهد.

به همین دلیل است که دشمنان طبقه کارگر این چنین از نشریات چون پیک نساچ و نساچ مبارز وحشت دارند.

زمانیکه شورای کارکنان کاخانه چیت‌سازی تهران،

کارگران ساکا: ...بقیه از صفحه ۷ کمترین اقدامی برای بدست آوردن حقوق خود انجام دهند، برای سرمایه‌داران و حکومت طرفدار آنها "ایجادنا راحتی" خواهد کرد!

کارگران ساکا، اینک یک دل و یک زبان از نماینده خود "کریمی حماری" حمایت می‌کنند و خواستار آزادی او هستند. آنها در قطعنامه‌ای که به مناسبت تعطیل کارخانه و اسارت نماینده خود صادر کرده‌اند، خواهان آزادی بگوش قید و شرط او و باز شدن کارخانه هستند. آنها نوشته‌اند: "ما بار دیگر پشتیبانی قاطع خود را از نمایندگان برحقمان اعلام داشته و هرگونه اهانته و نسبت دادن اتهامات واهی به نماینده واقعی کارگران را توهین به حیثیت و شرف کارگران میدانیم و آنرا از جانب هر کس در هر پست و مقامی که باشد، قاطعانه محکوم می‌کنیم!

آنها همچنین تعطیل کارخانه را در شرایط حساس فعلی بمنفع آمریکا و سرمایه‌داران وابسته دانسته و آنرا قویا محکوم کرده‌اند. آنها از شوراها، سندیکاها، اتحادیه‌ها، و مجتمع‌های کارگری تقاضا کرده‌اند تا از خواسته‌های برحق آنان حمایت کنند تا "بار دیگر همبستگی کارگران سراسر ایران را به دشمنان طبقه کارگر نشان دهیم" آنها خطاب به احزاب، سازمانها و روزنامه‌ها تقاضا کرده‌اند تا صدایشان را به گوش مردم برسانند.

کارگران در پایان قطعنامه اعلام کرده‌اند که خواهان حل منطقی مساله از طریق مذاکره هستند و بر علیه هرگونه منطبق سرکوب و خشونت، از جانب هر مقامی که باشد، هشدار داده‌اند. آنها اعلام کرده‌اند: "چنانکه خواسته‌های قانونی ما برآورده نشود، حق طبیعی و قانونی خود میدانیم که دست به هر اقدام دیگری تا تحقق خواسته‌هایمان بزنیم." ●

صدر میروند آنها روز اول موفق به دیدن او نمی‌شوند. روز دوم کارگران را از ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر پشت در معطل می‌کنند و سرانجام آقای رئیس جمهور می‌آید و همه کارگران را فدای انقلابی مینامد! کارگران با توجه به اینکه سید احمد خمینی هم در دفتر بنی صدر حضور داشته است، اصرار می‌کنند که او را ببینند تا بلکه صدایشان بگوش او برسد. اما سید احمد از حضور در میان کارگران خودداری می‌کند!

آری! کارگران فقط بدر روزهای راهپیمایی می‌خورند! رعمل هرگاه که کارگران با مقاومت حکومتی رود رو شده‌اند ضد انقلاب نام گرفته‌اند.

به کارگران ساکا می‌گویند شما با کردستان رابطه دارید و دوست شیخ عزالدین هستید! به آنها می‌گویند شما در کار حکومت فزولی" می‌کنید! به آنها می‌گویند ضد انقلاب هستید! بهر حال کارگران در عمل متوجه میشوند که نه بنی صدر و نه هیچکس دیگر در حکومت کاری به ایشان انجام نمیدهد. و به همین دلیل دیگر هیچ کس شعار بنی صدر، بنی صدر، کریمی را آزاد کن! را نمی‌دهد.

از طرف دیگر، سپاه پاسداران، کارخانه را تعطیل اعلام می‌کنند و در شرایط معطل و اطرافش را محاصره می‌کنند و علت آنرا هم ضد انقلابی بودن کارگران اعلام می‌کنند! پاسداران به کارگران می‌گویند اگر میخواهید کارخانه باز شود باید تعهد دهید که اگر حکومتی "نا راحتی ایجاد کنید" از کارخانه بیرونتان کنیم.

کارگران به هیچ وجه حاضر نیستند تعهد دهند، زیرا بخوبی میدانند که منظور از "ایجادنا راحتی" چیست؟! آنها بخوبی میدانند که اگر

کارگران دلاور...

هستند. بلافاصله بعد از کودتا کارگران معادن که بخش اعظم طبقه کارگر بولیوی را تشکیل می‌دهند با بستن جاده‌ها منتهی به معادن شروع به مقاومت مسلحانه در مقابل کودتاگران می‌کنند. کارگران دلاور معادن بولیوی با استفا ده از فرستنده رادیویی که در دست دارند مرتب مردم را دعوت به مقاومت در مقابل کودتاگران می‌کنند.

مزدوران ارتش بولیوی با توپ و تانک و انواع سلاح‌های آمریکایی کارگران را محاصره کرده ولی با مقاومت دلاوران کارگران معادن روبرو شده‌اند. دانشجویان و توده‌های مردم هم به عنوان اعتراض به حکومت نظامیان کارها را تعطیل و اعتصاب عمومی کرده‌اند. تا کنون (سوم مرداد) مقاومت قهرمانانه کارگران ادامه دارد.

بل حکومت نظامیان مزدورو جنایت کار با بستن و محاصره کنند. مقاومت دلاوران کارگران معادن بولیوی به خوبی نشان می‌دهد که اگر در زمان دیکتر مصدق، توده‌های مردم مسلح بودند مسلما کودتای ۲۸ مرداد پیروز نمی‌شد! اگر سران خائن حزب توده به جای فرار کردن به خارج و خزیدن در سو را خبا با وجود داشتن سازمان نظامی، به مسلح کردن توده‌ها می‌پرداختند، کودتای ۲۸ مرداد پیروز نمی‌شد. اگر آلمان در شیلی به توده‌های مردم متکی می‌شد و آنها را مسلح می‌نمود و میان شیلی نمی‌توانستند و در سرنگون کنند و سالها یک چنین رژیم فاشیستی را بر مردم شیلی حاکم کنند.

هم اکنون نیز که در میهن ما احتمال کودتا وجود دارد با تنها این کارگران و زحمتکشان و سازمان‌های انقلابی و کمونیستی هستند که در مقابل کودتا خواهند ایستاد. رژیم جمهوری اسلامی با خلع سلاح تو-

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می‌دهد که این تنها کارگران و زحمتکشان مسلح هستند که می‌توانند در مقابل حکومت نظامیان مزدور و جنایتکار با بستن و محاصره روزه کنند.

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می‌دهد که آنها زیر بار حکومت کودتاچیان نخواهند رفت. حتی اگر ارتش مزدور بولیوی بتواند در کوتاه مدت مقاومت کارگران را درهم بشکند، دیر یا زود این گونه حکومتها بدست توانای کارگران و زحمتکشان بولیوی سرنگون خواهند شد.

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می‌دهد که این تنها کارگران و زحمتکشان مسلح هستند که می‌توانند در مقا

ده‌ها سازمانهای انقلابی و کمونیستی زمینه را برای کودتاچیان فراهم می‌سازند. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد انقلابی خود از مسلح بودن توده‌های مردم و سازمانهای انقلابی بیشتر وحشت دارد تا از کودتاچیان. چرا که ماهیت کسانی چون بختیار و ویسی و گردانندگان جمهوری اسلامی یکی است آنها هر دو ضد خلق اند.

* * * کارگران و زحمتکشان

سراسر جهان دشمن مشترکی دارند و آن رژیم‌های حامی سیستم سرمایه‌داری وابسته و امپریالیستی است به همین دلیل شعار طبقه کارگر در تمام کشورها اینست: "کارگران جهان متحد شوید".

کارگران قهرمان معادن بولیوی! در برابر دشمنان کارگران و زحمتکشان مقاومت کنید و بجنگید!

خون کارگران قهرمان معادن بولیوی که در این جنگ مقدس بر زمین میریزد روشنی بخش راه طبقه کارگر در سراسر

بقیه از صفحه ۷۴

اعتراض کارگران...

داران قرار گرفت. دوازدهم - ۱۷ تیر - کارگران مکانیک جلسه‌ای تشکیل داده و این عمل را محکوم می‌کنند. اما بقیه کارگران هنوز بطور دستجمعی اقدامی نکرده‌اند.

در رابطه با این اتفاق، عده‌ای از کارگران نساج هوادار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، اعلامیه‌ای منتشر کرده و از شورای کارخانه خواسته‌اند تا هر چه زود تر با تشکیل مجمع عمومی و با اتحاد و همبستگی کارگران، جواب دندان شکنی بدهد. مات ضد کارگری داده شود.

آنها در این اعلامیه ضمن آنکه این اتفاق را شرح داده و آنرا بشدت محکوم کرده‌اند، در مقدمه اعلامیه نوشته‌اند:

"... دولت جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه‌داران و بازاریان است، هیچ فکر نمی‌کند که مقیدار

جهان است. طبقه کارگر و زحمتکشان جهان در راه آزادی و رهایی از بند رژیمهای ضد مردمی کشته‌های فراوان داده‌اند و از کشته شدن نمی‌هراسند.

رفقای قهرمان معادن بولیوی! مقاومت کنید و بجنگید! چرا که طبقه کارگر و زحمتکشان چاره‌ای جز جنگ بر علیه سرمایه‌داران و امپریالیستها ندارند. مقاومت کنید و بجنگید! چرا که آینه از آن کارگران و زحمتکشان است! ☆

حقوقی که به کارگران اضافه شده، در عوض قیمت اجناس دوباره بر شده دیگر قدرت خرید برای کارگران و زحمتکشان باقی نمی‌گذارد. دولت جمهوری اسلامی هر روز در راه بیوتلو بیوتن... صحبت از اضافه حقوق کارگران می‌کند و فشار می‌آورد که تولید را اضافه کنید، تا هر چه بیشتر جیب سرمایه‌داران زالو و مفت پر شود. دولت جمهوری اسلامی گرانی را که بخاطر بیشتر سود بردن سرمایه‌داران به کارگران و زحمتکشان تحمیل می‌شود، به گردن کارگران می‌اندازد. ولی ما کارگران میدانیم که علت گرانی چیز دیگری است که جمهوری اسلامی از گفتن آن می‌ترسد. دولت جمهوری اسلامی که مدافع سرخست سرمایه‌داران و بازاریان است، خوب میدانند که آنها هستند که اجناس را گران می‌کنند..."

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!



ادمی با سرافراشته باید بزید
وبه دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و دهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش!

جاودان باد «خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام»



رفیق محمد تقی شهرام، انقلابی و مبارز خستگی ناپذیر، شهید دیگری است که به کاروان شهدای خلق ایران پیوست. رفیق در برابر جلادان جمهوری اسلامی، حاضر نشد سر تسلیم فرو آورد، همچنان که در ۱۳ سال مبارزه پیگیر خود هرگز در مقابل رژیم سفاک پهلوی، سستی و تزلزل از خود نشان نداد.

رفیق تقی شهرام مبارز سالهای سیاه رژیم شاه دلاورانه زیست و دلاورانه شهید شد و همچون تمام مصلی انقلابیون تاریخ، «بازی افراشته در برابر ارتجاع حاکم ایستاد و چه استوار به گفته خویش پای بند شد که: "ما آموخته ایم که ایستاده بمیریم و هرگز در اصول خود سازش نکنیم. من هرگز در دفاع از انقلاب و آرمانهای انقلابی ام ذره ای تردید نشان نخواهم داد و هر آینه باند های سیاه و مرتجع فعال در دادستانی در توطئه خود که ریختن خون من جزیی از آن است موفق گردند، همچنان استوار با سری افراشته ولی خندان، سرب مذاپ را پذیرا خواهم شد. آری این رسم ماست که ایستاده بمیریم!" (از نامه رفیق تقی شهرام به یکی از همزنجیرانش در زندان اوین)

رفیق دلاور و شهرام را بعد از یکسال اسارت در زندانهای انفرادی و در بدترین شرایط غیاب محاکمه و به اعدام محکوم کردند. آنها که یکسال تمام کوشیده بودند رفیق را وادار به خیانت به آرمانهای انقلابی اش کنند، وقتی با مقاومت آنها روبرو شدند و چه در زندان و چه در دادگاه مواجه شدند، او را غیاباً به اعدام محکوم کردند! آنها که یکسال تمام کوشیده بودند، با اعدام های ساختگی، با شکنجه های روحی و جسمی او را وادار کنند که علیه سازمانهای انقلابی و کمونیست سخن بگوید و قتی با اراده پولادین او روبرو شدند نه اجازه دادند و کیلی داشته باشند در دادگاه سخن بگوید! مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که میخواهند از رفیق شهرام برای پیشبرد مقاصد ضد انقلابی خود استفاده کنند، وقتی با موج اعتراضات و افشاگری های کمونیست ها و انقلابیون و مجامع دمکراتیک بین المللی روبرو شدند، او را غیاباً محاکمه و به اعدام محکوم کردند.

اما رفیق شهرام نمرده است، او زنده است، خون گرم او در وجود یک کمونیست ها و انقلابیون می جوشد و سرخی آن سیاهی های جهان را خواهد شست. راه او راه تمامی رزمندگان و از جان گذشتگان در راه خلق و طبقه کارگر است و این راه تا نا بودی هرگونه ظلم و ستم بر روی زمین با خون کمونیست ها و انقلابیون رنگین خواهند شد!

ما کمونیست ها به عزاداری نخواهیم نشست! اعدام تقی شهرام ها، فراموشیها، علوی شوشتریها، ناسرلیمی ها، اسفندیار قربانی ها، تنها کینه طبقاتی ما را نسبت به سرمایه داران، مرتجعین و مزدوران آنها این دشمنان زحمتکش، شعله و رترخواهد گردانید و عزم را سخ ما را در آگاه نمودن توده ها، در متشکل کردن آنها و در نا بودی نظام سرمایه داری و ایستاده و برافرازی پرچم سرخ سوسیالیسم صدچندان خواهد کرد!

جاودان باد یاد شهیدان راه آزادی طبقه کارگر!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

۵۹/۵/۲

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر



اخبار کوتاه

■ - دز محله چومه - خرمشهر
کوی فلسطین جدید شخصی به نام "عبدالزهر" توسط پاسداران به گلوله بسته شد. عبدالزهر در رژیم قبلی به علت فقر خانوادگی دزدی میکرد، و بعد از چند بار دستگیری و کتک خوردن کمی اختلال حواس پیدا کرده بود. عبدالزهر را در جریان قیام آزاد میشود. و پاسداران چند بار برای دستگیری دنبال او می آیند ولی فرار میکنند در روز ۲ تیر در محله چومه سرک چومه ای نشسته بود که ماشین پاسداران را می بیند و با دیدن آن پاسبه فرار میگذارد. اما پاسداران را نوزده و از پشت او را به رگبار می بندند. پاسدار شلیک کننده حمید کرم باشی نام دارد. فردای آن روز راه پیمایی از مسجد نزدیک چومه آغاز میگردد. صفوف زحمتکشان خلق عرب غرش کنان فریاد میکشیدند "دم العزیزى انتالب بى" خون عرب را داد خواهی خواهیم کرد!

خلق عرب به پاس خون عزیزانش میفرید. مردم محله بهم می گفتند: "پاسداران بخاطر کینه از چومه" مخصوصا "عبدالزهر" را در اینجا کشتند"، "پاسداران برای از بین بردن دزدان دهاکنه، بلکه برای اعمال قدرت در چومه بودند که تیراندازی کردند" توده ها از هرجا بیست

■ چومه یکی از محلات خرمشهر (حمره) است که در ۹۰۰ م. داد، روز مقاومت خونین خلق عرب، از کانونهای مبارزه بود

رژیم، از هر حرکت "فاشیستی" اش تجربه می آموزند و بر کینه شان افزوده میشود تا زمانیکه این کینه چون آتشی بر خرمن تمامی استثمارگران و دشمنان خلق بیافتند و آنان را از روی زمین محو کنند!

■ روز دوشنبه ۹ تیر در خیرآباد داراب از شهرهای اطراف شیراز، زحمتکشان تظاهراتی برای آب و برق برپا داشتند. در این تظاهرات مردم شعار میدادند "بی آبی، بی برقی، گرانی، بیگاری، نابودیا بیدگردد"، "آب و برق حق مسلم ماست" این تظاهرات باعث نداشتن رهبری نیروهای انقلابی باعث فریبکاریهای نوکران حزب جمهوری اسلامی و ماموران ادارات دولتی نتوانستند ادامه پیدا کنند.

■ مبارزات اخیر - کارگران سازمان آب با پیروی و رسیدن به خواسته های شان به پایان رسید. کارگران که خواهان تعویض کاشانسی (فرزند آیت الله کاشانی و برادرزن بهشتی) و بازگرداندن حق حق ممکن و اضافه کاری های سابق خود بودند بعد از سه روز تجمن در سازمان آب و گروگان گیری کاشانی ضد کارگران روز ۱۵ تیر به خواسته های خود رسیدند. در طول مبارزه کارگران، هیچیک از فریبکاریهای اعمال رژیم، نمایندگان دفتر ریاست جمهوری و نمایندگان وزارت نیرو و اثر نکرد و کارگران با اتحاد خود مدبریت سازمان و دولت حامی آنها را به عقب نشینی وادار کردند!

■ روز ۱۵ تیر ۵ نفر از اوباشان ولیم های داراب به سرکردگی حاج رضا بهمنی از پولدارترین افراد داراب و مؤذنی معمار مرتجع و شخصی بنام مابری که یک معلم مرتجع است، به یک کتا بغروشی در داراب حمله میکنند و بعد از کتک زدن کتابفروش کتابها را با خود برده و در بین راه پاره میکنند این اوباشان که نام خود را "اتحادیه کارگران مسلمان" نهاده اند، در میان مردم پایهای نثارند و به "اتحادیه مقاطعه کاران" معروفند.

■ در داراب برق منطقه ای شیراز قسمت تعمیرات کار-

گری با صدای بلند در محوطه به دولت حمله میکنند که این دولت تا بحال چکار برای ما کرده، تازه حقومان را هم کم میکند" لازم به تذکر است که به کارگران و کارمندان حق ممکن اضافه کاری نمیدهند و روی هم رفته حدود ۱۵ تومان از حقوق کارگران کم شده است. یکی از مزدوران اداره اورا در این حال می بیند و به رئیس اداره و مقامات خبر میدهد. آنها نیز کارگران را احضار کرده و اورا توبیخ میکنند. روز بعد عده ای از کارگران قسمت و همان کارگر جلوی عنصر مزدور را گرفته و بعد از درگیری لفظی حسابی او را گوشمالی داده و حساب نوکسر صفتی و مزدوریش را کف دستش میگذارند.

■ در قسمت باطوری سازی صنایع دفاع ملی حدود ۱۸ نفر از کارگران روز مزد ما را در احتیاج را "باز خرید یا اخراج" کرده اند. این امر بنا مخالفت کارگران دیگر و روبرو شده است.

■ در صنایع دفاع ملی کانون اسلامی سرگرم شناسایی عناصر انقلابی و کمونیست میباشد. تا کنون چندین نفر از کارگران را بخاطر بحث با زوجی کرده و از آنان تعهد گرفته اند که دیگر در کارخانه بحث نکنند، والا اخراج خواهند شد!

■ به دنبال تلاش و مبارزه متحد و چندانم دهقانان زحمتکش روستای "خان تپه اوبوسرا" از توابع رودسر زمین های حبیب الله ایران نوادما دره و او، دختر و داماش دستگیر میشوند قبل از امام جمعه و نماینده مجلس رشست، لاهوتی که از وابستگان نزدیک این شخص است او را مسلح کرده و کتباً از پاسگاه ژاندارمری خواسته بودند که در برابر اقدام دهقانان از او حمایت کنند. روز ۲۲ خرداد دهقانان منطقه بخش رحیم آباد به این پشتیبانی اعتراض کرده بودند و همین اعتراضات و مبارزات دهقانان اکنون موجب دستگیری این سرمایه دار و زمیندار منطقه شده است. ●

بقیه از صفحه ۳۰
دربین سربازان رواج داشته و همواره فرزندان زحمتکشان تحت این فشار و بدرفتاری و زورگویی به این شیوه دست زده اند. این مسئله بخصوص در زمان مبارزه مردم علیه رژیم شاه به دلایل نیاسی و به دلیل اینکه پرسنل انقلابی ارتش حاضر نبود به سوی سینه هموطنان، کارگران و زحمتکشان شلیک کند، بسیار افزایش یافت.

■ در رژیم "جمهوری اسلامی" ارتش بازسازی شده است و وضع ارتش علیرغم تمامی مبارزات پرسنل انقلابی نیروهای مسلح همچنان "شاهنشاهی" و ضد انقلابی باقی مانده است. در این مدت به دلایل گفته شده و به دلیل جنگ کردستان بسیاری از زحمتکشان و پرسنل انقلابی ارتش از پادگانها فرار میکنند و سرلشکر شادمهر این مزدور و عنصر خود فروخته ارتش طی اطلاعیه ای این مسئله را ناشی از بی توجهی و عدم اطلاع از عواقب ناشی از آن و مجازاتهای قانونی میدانند. "وطی اطلاعیه ای" مجازاتهای پرسنل فراری را برای ارتشیان توضیح میدهد! و هشدار میدهد که فرار در شرایط عادی از سه ماه تا سه سال مجازات دارد و در مواقع جنگ مجازات آن اعدام است!

ارتش ضد خلقی، ارتشی که میخواهد بر علیه خلق قهرمانان ایران کودتا کند، ارتشی که فرماندهان مزدورش جیره خوار آمریکایی و دشمنان سوگند خورده مردم ایران هستند پرسنل انقلابی را برای آنکه حاضر نیستند در جنگ کردستان شرکت کنند، اعدام میکنند و فرزندان کارگران و زحمتکشان که دو سال خدمت سربازی برای خانواده اشان محرومیت از تالمین مخارج و برای خودشان از دست دادن کارشان است، را به خاطر فرار و برای هر مسئله ای به مجازات های سنگینی محکوم میکنند. ●

بقیه از صفحه ۱۳۰

کمیت ضد خلقی خود ادا می‌خواه
 هند داد. اما آنچه مسلم است
 نه چنین مزدورانی و نه هیات
 حاکمه ضد خلقی کنونی هیچگاه
 سا طور قصابی خود را علیه
 زحمتکشان ایران بر زمین
 نخواهند گذاشت، اما
 زحمتکشان ایران در جریان
 مبارزه طبقاتی، خویش چه بر
 علیه هیئت حاکمه ضد خلقی
 و چه علیه عوامل مزدوری چون
 بختیار و تیمسارهای فراری،
 قدرت انقلابی خود را روز به روز
 افزایش خواهند داد. در کردستان
 نیز خلق کرد و نیروهای انقلابی
 به هم خود این مبارزه را به
 پیش خواهند برد.

۳- جهاد سازندگی در کردستان چه می‌کند؟

ارتش، سپاه پاسداران
 و جهاد سازندگی در روز ۱۹ تیر
 اعلامیه مشترکی در مورد ۵
 نفر از اعضای جهاد سازندگی
 که در دست سازمان انقلابی
 زحمتکشان کردستان ایران
 (کومه له) در حالت بازداشت
 بسر می‌برند ادا ده و در آن نوشته
 اند: "برای آزادی این افراد
 بی گناه هیچ راهی جز راه حل
 نظامی وجود ندارد و بدین وسیله
 به اطلاع شما مردم مسلمان بانه
 و روستاها می‌رساند، اگر این
 پنج نفر حداکثر تا سه روز یعنی
 از تاریخ ۵۹/۴/۱۹ تا ۵۹/۴/۲۲
 ساعت ۶ بعد از ظهر آزاد نگردند
 تعداد پنج روستا از روستاهای
 منطقه بانه در آ خر مهلت از طریق
 هوا بمباران خواهد شد.
 و همچنین ۲۰ نفر از افراد کو-
 مه له و دمکرات بانه محاکمه
 (؟) و اعدام خواهند شد و اگر
 افراد بدون قید و شرط آزاد نگرد
 دندنه تنها در این منطقه فعلا-
 لیت عمرانی نخواهد بود.

بلکه از ورود هرگونه کالا به
 این منطقه نیز جلوگیری خواهد
 شد، و از مردم بانه انتظار را-
 ریم دیگر هیچگونه انتظاری از
 جهاد سازندگی نداشته باشند!!
 سازمان انقلابی زحمتکشان
 کردستان (کومه له) در اعلامیه

عمرانی آنها نگذاشته بود که صرا
 حتاً وبا وقاحت تمام از کارگران
 خواستند که بخیا با آنها بروند و بر
 علیه گروههای سیاسی تظاهرات
 راه بیندازند و گرنه آنها فعلا-
 لیتهایشان را تعطیل خواهند
 کرد و با بنویسند آنها میخواستند



کارگران را با تهدید باخراج
 و اداریه حمایت از جمهوری اسلا-
 می نمایند، کارگرانیکه در اثر
 سیاستهای ضد خلقی رژیم چندین
 ماه بود بیکاری کشیده بودند، اما
 این سیاست آنها در اثر مقاومت
 کارگران بخصوص با تبلیغ
 سیاسی کارگران آگاه خنثی شد.
 آنها رشد سیاسی کارگران مبارز
 کردستان را آنقدر دست کم گرفته
 بودند که بسیار "عجولانه" میخواست-
 ستند نتیجه کارهایشان را در مدت
 کمی ببینند و بهمین دلیل خیلی
 زود دستشان رو شد، فشار به کارگرا
 ن اکنون هم بصورت پرداخت
 نکردن حقوق آنان در چند ماه

ای تحت عنوان "سیاست تازه
 رژیم: بهانه جویی برای
 کشتار عام و بمباران و سوزا-
 نیدن دهات و در پاسخ به این
 تهدید ضد انقلابی رژیم نوشته
 است: "از زمان شروع فعالیت
 "جهاد سازندگی" آنها یکسری
 کارهای غیر تولیدی در کردستان
 ایجاد کردند که علیرغم هیا هو
 و جنجالی که بر سر آن بها کردند
 تا ثیری بر زندگی زحمتکشان
 کردستان نگذاشت و انجام آنها
 در جهت برنامه های سرکوبگرانه
 رژیم ضد خلقی بوده خدمت به
 خلق کرد، در بانه و سفر هنوز چند
 هفته از فعالیت های با مصطلاح

اخیر ادا می‌دارد و می‌خواهند از
 این راه در جهت سیاستهای
 ضد خلقیشان استفاده نمایند.
 بخشی از کار "جهاد سازندگی"
 در خدمت ایجاد سنگر در بانه و
 آنها، بخصوص در سقز و بانه و
 شگاه افسران سنج بود. از
 همان سنگرها بود که ارتش
 شهرهای فوق را بمباران
 و گلوله باران میکرد و
 نه های مردم را ویران مینمود.
 فعالیت در جهت تطمیع عناصر
 متزلزل و تبدیل آنها به
 مزدوران حکومت (جاش) نیز
 از فعالیت های چشمگیر آنها
 بوده و در شرایطی که رژیم ضد
 خلقی سنج، سقز و بانه
 را بقمیت ویران کردن اغلب
 خانه ها و کشتن مدها و زخمی
 نمودن هزاران نفر از مردم
 زحمتکش، این شهرها را اشغال
 نمود، نقش عوام فریانه "جهاد
 سازندگی" برای از بین بردن
 روحیه مقاومت مردم، بصورت
 بصورت پخش خوار و با روشن
 میشود، آنهم در حالیکه محاصره
 اقتصادی تمام شهرهای کرد
 ستان از طرف حکومت همچنان
 ادا می‌دارد.

در اعلامیه مورد بحث صحبت
 از کارهای عمرانی و خدمت
 به مردم شده است، و مردم بانه
 را تهدید بقطع فعالیت های
 عمرانی و محاصره اقتصادی نمود-
 ده اند، در حالیکه "جهاد سازند-
 گی" کردستان در تاریخ چهار-
 شنبه ۱۱ تیر ماه ۵۹ در روزنامه
 اطلاعات طی اطلاعیه ای اعلام
 نموده است که:
 "..... کلیه اقدامات عمر-
 انی و سازندگی این ستاد در کرد-
 ستان بعلت نداشتن بودجه
 و کارشکنی دولت بزودی تعطیل
 خواهد شد" و یاد جای دیگر
 همان اطلاعیه میگوید:
 "..... اکنون با لاجبار
 بقیه در صفحه ۵۰

با تمام قوا از مبارزات خلق کرد پشتیبانی کنیم!

میپروا نداشتند. نظام آموزش و پرورش شاهنشاهی، بدانش آموزان کردستان اجازه پوشیدن لباس کردی نمیداد، آموزش وحتی تکلم بزبان کردی در مدارس ممنوع بود و معلمان میبایست دانش آموزان را مجبور به پوشیدن کت وشلوار و تکلم بزبان فارسی و خواندن سرود شاهنشاهی کنند و باطرز بر بار رفتن این نظام آموزشی ضد خلقی و ضد ملی بود که معلمان کرد مورد غضب رژیم شاه بودند و با تمام تجزیه طلبی با عدم وزندان و تبعید محکوم میشدند.

اکنون هم، هیات حاکمه جمهوری اسلامی میگوید معلمان کردستان دانش آموزان را با روح وایمان به جمهوری اسلامی ورهبری خمینی آموزش نداده اند بنا براین حق کار کردن و نا خوردن ندارند و باید معلم "مسلمان" و "متعهد" بکردستان "مادر" گردد. گناه معلمان کردستان اینست که در محیط مدرسه به آزادی عقاید و نشو و نما ی آگاهی و فعالیت سیاسی میدان داده اند، پس باید آنها را بطور دسته جمعی اخراج کرد. لابد بنظر هیات حاکمه، در کردستان هم مانند سایر مناطق جمهوری اسلامی ایران باید به کشتار و سرکوب دانش آموزان پرداخت و میراث انقلابی و مبارزاتی آنان را تحت عنوان عوام فریبانه و دروغین انقلاب فرهنگی و اشاعه فرهنگ اسلامی نیست و نابود کرد.

در انتهای پیام شیخ عزالدین حسینی با محکوم کردن این اقدام "ارتجاعی و ضد خلقی" مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران را نیز به محکوم و افشاء کردن اخراج هزاران معلم و کارمند فرا میخواند.

"ما هم صدا با عامه خلق کرد انحلال ادارات آموزش و پرورش کردستان و اخراج دسته جمعی

معلمان و کارمندان مبارز را یک اقدام ارتجاعی و ضد خلقی تلقی کرده و آنرا شدیداً محکوم میکنیم و یقین داریم که معلمان و کارمندان مبارز کردستان این بار هم با مقاومت دلیرانه خود کام هیات حاکمه را با تلخی شکست آشنا خواهند کرد.

مردم مبارز و آزادیخواه ایران!

اینک که ارتجاع حاکم در همه جای ایران یورش ضد انقلابی و ضد خلقی خود را گسترش داده است از شما درخواست میکنیم که ضمن مبارزات پر شور خود، اقدامات جنایتکارانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی در کردستان از جمله اخراج هزاران معلم و کارمند مبارز را محکوم و افشاء کنید.

ما همچنین از همه سازمانهای مترقی و دموکراتیک، از کلیه کانونهای صنفی مبارز و بخصوص از روشنفکران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان سراسر ایران خواستاریم که از مقاومت دلیرانه و عا دلانه معلمان و دانش آموزان کردستان که بخش مهمی از جنبش مقاومت خلق کرد را تشکیل میدهند پشتیبانی کنند.

۲- کومه له و دود ضد انقلاب

۸ هزار مزدور مسلح پالیزبان در نزدیکی کرمانشاه، بجان خلق گرفتار دهاند. آنها هر چند که با رژیم جمهوری اسلامی می جنگند. اما این جنگی است میان دود ضد انقلاب و گروههای سیاسی منطقه، هر یک بنحوی در قبایل این مساله موضع گیری کرده اند. ما در مورد موضع چریکها (اکثریت) در همین شماره سخن گفته ایم، بد نیست که موضع سازمان انقلابی، کومه له را نیز به قلم خودشان بخوانیم:

"هم میهنان مبارز! اکنون مدتی از هجوم ارتش سرکوب و پاسداران ارتجاع به منطقه اشویه میگذرد. هم

نظور که قبلاً نیز به آگاهیتان رسانده بودیم، این هجوم وحشیانه با بمباران فانتومها و سوزاندن روستاها و کشتن مردم، بی دفاع توأم بود و یکی از سلسله جنایتهای ارتش و پاسداران بود که در ماههای اخیر در سرتا سر کردستان بارها مرتکب گردیده اند.

ارتش و پاسداران با تمام رقابتهای خود، در سرکوب خلق کرد و دیگر زحمتکشان ایرا ن بسیار متحد و متفق عمل می کنند. آنها دوش بدوش هم در این جنایتهای فاعلانه شرکت داشتند. این هماهنگی آنها در برابر خلق کرد و نیروهای پیشمرگ به هیچ عنوان تا زگی ندارد.

پس از اینکه ارتش در نقاط مختلف اطراف شهر اشویه مستقر شد، نیروهایش را برای جمع آوری اسلحه به روستاها اعزام کرد و بجان مردم دهات انداخت. آنها در این کار خود با وحشیگری کامل عمل میکردند. در همان حال فرماندهان این واحدها در دهات و در حضور مردم، خمینی و حکومت جمهوری اسلامی را نیز به یادنا ساز می گرفتند و آشکارا از بختیار مزدور حمایت میکردند. طبق اطلاعاتی که بدست آورده ایم این واحدها عواملی در خاک عراق تماس برقرار نموده است. همزمان با این جریان در بخشی دیگر از روستاهای اطراف نرده و جلدیان، پاسداران ارتجاع به بهانه خلع سلاح مردم روستاها را محاصره میکنند جوانان را به گروگان گرفته و از اعمال هرگونه آزار و اذیت کوتاهی نمیکنند.

چنین وحدت عملی بین ارتش و پاسداران در سرکوبی زحمتکشان منطقه اشویه در شرایطی است که:

واحد مستقر در آنجا کار اختلافش با پاسداران بجایی میرسد که برای فرمانده سپاه پاسداران نقد و همراهانش

تله انفجاری کار میگذارد که همه آنها را دردم بقتل میرساند. (لازم به یادآوری است که پیشمرگان جنبش مقاومت هیچکدام مسئولیت کار گذاشتن این تله را به عهده نگرفته اند و تقریباً برای همه مردم منطقه روشن شده است که انجام این کار در این محل و در شرایط فعلی برای هیچ نیرویی جز ارتش امکان پذیر نیست.)

بنا بر این بروشنی دیده میشود که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و عوامل مزدور امپریالیسم و وابستگیان بختیار خائن همگی در سرکوب خلق کردها هتک و هم رای اند. این وحدت عمل تنها بدلیل وحشت آنها از رشد نیروهای انقلابی و مبارزات توده ها است که در تکامل خود و همراه با مبارزات دیگر زحمتکشان ایران بساط هرگونه ستیم و استعمار امپریالیستی را در هم خواهد پیچید و مرتجعین داخلی را نیز به زباله دان تاریخ میریزد.

هم اکنون عوامل مزدور بختیار، روتیمسارهای جنایتکار فراری در عراق و در دامان فاشیستهای بعثی و همدستان شان در ارتش جمهوری اسلامی متحدانه منظور ضربه زدن به نیروهای انقلابی و مبارزات خلق کرد توسط نه چینی میکنند و این نیروها را سه راه اعمال ننگین خود میداند، چرا که آشکارا می بینند چنانچه این نیروها حضور فعال دارند و بگر آنها بسادگی قادر به گسترش توطئه های خود نیستند و تنها چشم امیدشان را بر مرتجعین داخلی کردستان دوخته اند تا بلکه از این طریق جای پای بی برای خود پیدا کنند. برای ما مسلم است که آنها تلاش خود را چه از طریق کودتا و چه از طریق بسیج عوامل مزدور و مرتجع در خارج از مرزها بدور خود برای برقراری دوباره حاکم

